

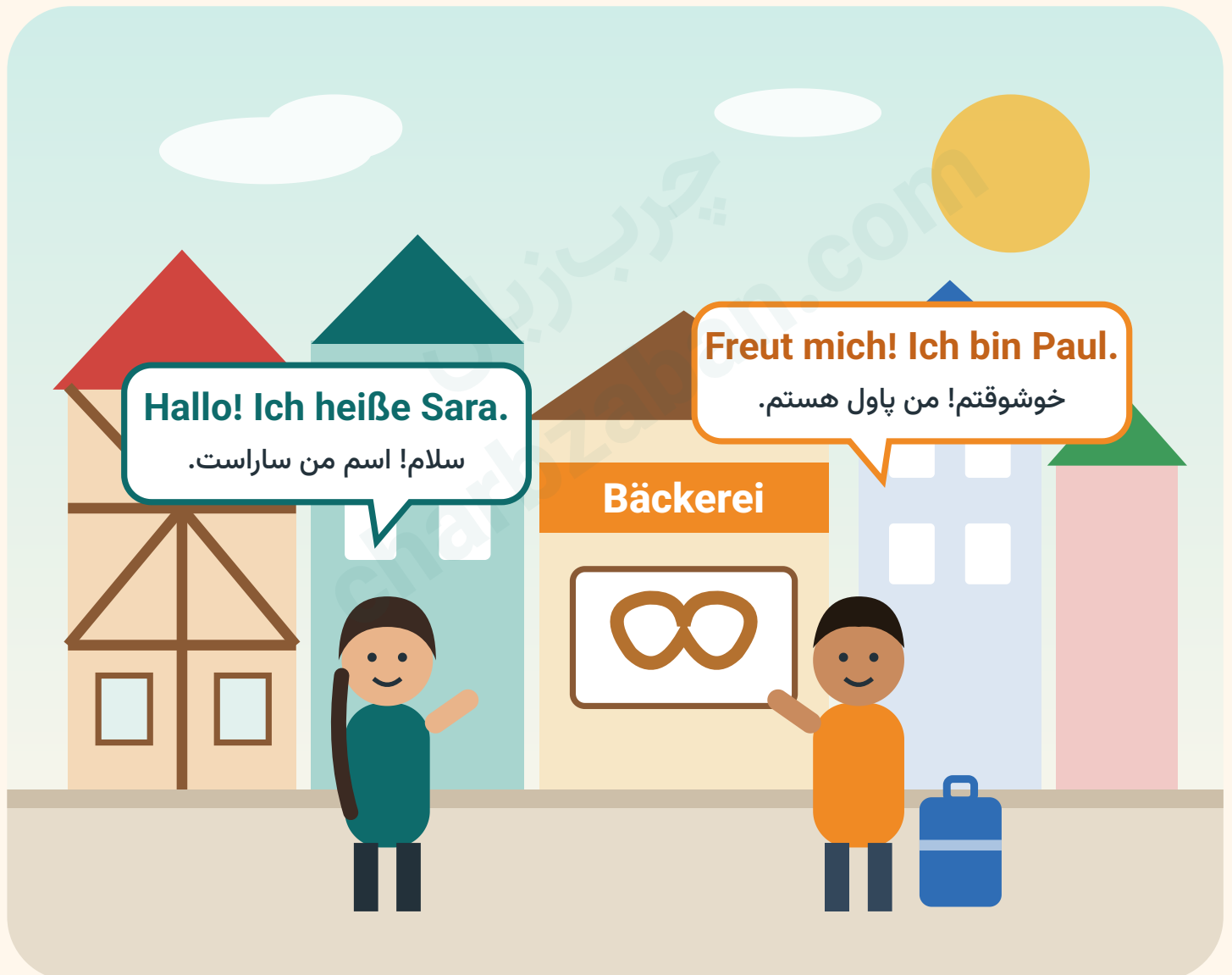
A1

برای فارسی زبان‌ها

آموزش زبان آلمانی سطح A1 رایگان

لغات، متن و جملات + گرامر کامل A1

Deutsch A1 für Persischsprachige – Wortschatz, Texte und Sätze



۴۱ کالوکیشن

۳۰ اصطلاح

۶۷ جمله کاربردی

۱۹۲ واژه با مثال

۱۶ درس گرامر

۷۲ فلش کارت

راهنمای آزمون

۶ متن با تمرین

فهرست مطالب

۳	پیش از شروع: این کتابچه چطور کار می‌کند
۴	بخش ۱: شروع: الفبا، تلفظ، اعداد و زمان
۴	الفبا
۴	قاعده‌های تلفظ
۵	سلام و خداحافظی
۶	اعداد
۶	ساعت
۷	روزها، ماه‌ها و تاریخ
۹	بخش ۲: گرامر A1 در ۱۶ درس
۹	درس ۱: ضمیرهای شخصی و فعل sein
۱۰	درس ۲: زمان حال و فعل haben
۱۱	درس ۳: فعل‌هایی که مصوتشان عوض می‌شود
۱۲	درس ۴: اسم، آرטיکل و جمع
۱۴	درس ۵: ترتیب کلمات و جمله پرسشی
۱۶	درس ۶: منفی کردن با kein و nicht
۱۷	درس ۷: حالت مفعولی (Akkusativ)
۱۸	درس ۸: حالت متممی (Dativ) در حد A1
۲۰	درس ۹: ضمیرهای ملکی
۲۱	درس ۱۰: فعل‌های وجهی
۲۳	درس ۱۱: فعل‌های جداشدنی
۲۴	درس ۱۲: جمله امری
۲۵	درس ۱۳: حرف‌های اضافه زمان و مکان
۲۶	درس ۱۴: حرف‌های ربط ساده
۲۷	درس ۱۵: زمان گذشته: war، hatte و Perfekt
۲۹	درس ۱۶: دوست داشتن، تکرار و es gibt
۳۱	بخش ۳: واژگان موضوعی: ۱۹۲ واژه
۳۱	واژگان ۱: اطلاعات شخصی
۳۲	واژگان ۲: خانواده و آدم‌ها
۳۳	واژگان ۳: کار و آموزش
۳۵	واژگان ۴: بدن و سلامت
۳۶	واژگان ۵: غذا و نوشیدنی
۳۸	واژگان ۶: خرید و لباس
۳۹	واژگان ۷: خانه و وسایل
۴۰	واژگان ۸: شهر و مکان‌ها
۴۲	واژگان ۹: حمل‌ونقل و سفر
۴۳	واژگان ۱۰: اوقات فراغت
۴۴	واژگان ۱۱: آب‌وهوا، فصل و رنگ
۴۵	واژگان ۱۲: اداره، بانک و پست
۴۸	بخش ۴: جمله‌های آماده برای موقعیت‌های روزمره
۵۲	بخش ۵: اصطلاحات و عبارتهای ثابت

۵۴	بخش ۶: کالوکیشن‌ها: کدام فعل با کدام اسم؟
۵۵	تله‌های ترجمه فعل فارسی
۵۶	متن ۱: ایمیل یک هم‌کلاسی تازه
۵۷	متن ۲: یک روز معمولی
۵۸	متن ۳: دعوت به جشن تولد و جواب آن
۵۹	متن ۴: تابلوها و اطلاعیه‌ها
۶۰	متن ۵: در فروشگاه لباس
۶۱	متن ۶: یک آخر هفته در کلن (زمان گذشته)
۵۶	بخش ۷: متن‌های خواندنی با تمرین
۶۲	بخش ۸: آزمون A1: ساختار، نوشتن و مکالمه
۶۲	ساختار آزمون Start Deutsch 1
۶۲	نوشتن: فرم و پیام کوتاه
۶۴	مکالمه: سه قسمت
۶۵	بخش ۹: ۱۶ اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها
۶۶	بخش ۱۰: برنامه ۳۰ روزه و منابع رایگان
۶۶	یک ساعت مطالعه روزانه
۶۷	منابع رایگان رسمی
۶۸	پاسخ تمرین‌ها
۷۰	فلش‌کارت‌ها برای چاپ

پیش از شروع

این کتابچه هر چیزی را که برای سطح A1 آلمانی لازم دارید یکجا جمع کرده است: الفبا و تلفظ، ۱۶ درس گرامر، ۱۹۲ واژه موضوعی با جمله نمونه، ۶۷ جمله آماده موقعیتی، ۳۰ اصطلاح، ۴۱ ترکیب پرکاربرد، ۶ متن خواندنی با تمرین، راهنمای آزمون و ۷۲ فلش کارت برای چاپ. همه توضیحات برای فارسی زبانان نوشته شده و هر جا آلمانی با ذهن فارسی زبان فرق دارد، با کادر نارنجی «ویژه فارسی زبانان» مشخص شده است.

سطح A1 یعنی چه؟

A1 اولین سطح از شش سطح چارچوب مرجع مشترک اروپایی برای زبان هاست (CEFR). در پایان این سطح باید بتوانید با جمله های کوتاه و آشنا در موقعیت های روزمره منظورتان را برسانید، به شرط اینکه طرف مقابل آرام و واضح صحبت کند. فهرست رسمی واژگان آزمون گوته برای این سطح حدود ۶۵۰ مدخل دارد و طبق توضیح خود گوته، فعالانه به کار بردن حدود نیمی از آن ها کافی است.

مهارت	در پایان A1 می توانید	نمونه
شنیدن (Hören)	گفت و گوی کوتاه، پیام تلفنی و اعلان بلندگو را بفهمید	فهمیدن ساعت حرکت قطار از اعلان ایستگاه
خواندن (Lesen)	یادداشت، آگهی، تابلو و اطلاعیه کوتاه را بخوانید	فهمیدن ساعت کاری روی در مطب
نوشتن (Schreiben)	یک فرم را پر کنید و پیام کوتاه بنویسید	پیام سی کلمه ای برای لغو یک قرار
صحبت کردن (Sprechen)	خودتان را معرفی کنید، سؤال ساده بپرسید و چیزی بخواهید	پرسیدن قیمت یا خواستن یک لیوان آب

هر درس را چطور بخوانید؟

1. توضیح فارسی را یک بار بخوانید و مثال ها را با صدای بلند تکرار کنید.
2. هر اسم را با آرتیکل و جمعش روی کارت بنویسید: آبی برای **der**، قرمز برای **die**، سبز برای **das**.
3. تمرین آخر درس را بدون نگاه کردن به توضیح حل کنید و با پاسخ نامه آخر کتابچه مقایسه کنید.
4. پنج جمله درباره زندگی خودتان با ساختار همان درس بنویسید.
5. هر روز پنج دقیقه فلش کارت های روزهای قبل را مرور کنید.

جمع · die

das · خنثی

die · مؤنث

der · مذکر

حواستان باشد

تلفظ فارسی فقط کمکی است

تلفظ هایی که در این کتابچه با حروف فارسی نوشته شده اند تقریبی اند. صداهایی مثل **ö**، **ü** و **ch** در **ich** با حروف فارسی نوشتنی نیستند. صدای اصلی را از فایل های صوتی کتاب درسی یا نمونه آزمون آنلاین گوته گوش کنید.



شروع: الفبا، تلفظ، اعداد و زمان

Der Start: Alphabet, Aussprache, Zahlen, Zeit

پیش از هر چیز باید بتوانید اسمتان را هجی کنید، عددها را بفهمید و ساعت بپرسید. این‌ها در همه موقعیت‌های روزمره و در هر چهار بخش آزمون A1 می‌آیند.

الفبا و هجی کردن

الفبای آلمانی همان ۲۶ حرف لاتین است به‌علاوه سه حرف با دو نقطه (Umlaut) و حرف ß. نام حروف را برای هجی کردن اسم و نشانی‌تان حفظ کنید؛ در بخش اول مکالمه آزمون ممکن است از شما بخواهند اسمتان را هجی کنید.

A a آ	B b به	C c تسبه	D d ده	E e هه	F f فف	G g گه	H h هآ	I i ای	J j یُت
K k کا	L l ل	M m ام	N n ان	O o اُ	P p په	Q q کو	R r ار	S s س	T t ته
U u او	V v فاو	W w وه	X x ایکس	Y y اوپسیلون	Z z تسیت	Ä ä اِ (آ اوملاوت)	Ö ö اُ اوملاوت	Ü ü او اوملاوت	ß اِس‌تسیت

مثال: Wie schreibt man das? – «R-E-Z-A»: ار، هه، تسیت، آ.

قاعده‌های تلفظ

آلمانی تقریباً همان‌طور خوانده می‌شود که نوشته می‌شود. اگر این جدول را یک بار خوب یاد بگیرید، هر واژه تازه را درست می‌خوانید.

حرف یا ترکیب	چطور خوانده می‌شود	مثال و تلفظ تقریبی
ei	آی	mein (ماین)، Zeit (تسایت)
ie	ای کشیده	Liebe (لیبه)، Sie (زی)
eu / äu	اُی	heute (هئته)، Häuser (هئزا)
ä	اِ کشیده	Käse (کزه)، Bär (پر)
ö	لب‌ها گرد مثل «اُ»، زبان مثل «اِ»	schön, Löffel
ü	لب‌ها گرد مثل «او»، زبان مثل «ای»	Tür, müde
ch بعد از a, o, u	خ	Buch (بوخ)، acht (آخت)
ch بعد از i, e و بقیه	نه خ است نه ش؛ اگر سخت بود ش خیلی نرم	ich, nicht, Milch

حرف یا ترکیب	چطور خوانده می‌شود	مثال و تلفظ تقریبی
chs	کس	sechs (زکس)
s پیش از مصوت	ز	Sie (زی)، Sonne (زونه)
z / tz	تس	Zeit (تسایت)، Platz (پلاتس)
v	معمولاً ف	Vater (فاتا)، vier (فیا)
w	و	Wasser (واسا)، wo (ؤ)
j	ی	ja (یا)، Januar (یانوآر)
sch	ش	Schule (شوله)
sp / st در اول کلمه	شپ / شت	Sport (شپرت)، Stadt (شتات)
ß	س	Straße (شتراسه)، groß (گروس)
b, d, g در آخر کلمه	پ، ت، ک	gelb (گلپ)، Hund (هونت)، Tag (تاک)
-ig در آخر کلمه	ایش نرم	billig, zwanzig
er در آخر کلمه	شبيه أ کوتاه	Lehrer (لرا)، Vater (فاتا)
h بعد از مصوت	خوانده نمی‌شود؛ مصوت کشیده می‌شود	gehen, Uhr, Sohn

ویژۀ فارسی‌زبان‌ها

مصوت اضافه اول کلمه را حذف کنید

در فارسی هیچ کلمه‌ای با دو صامت شروع نمی‌شود، برای همین ناخودآگاه **Stadt** را «اشتات» و **Schule** را «شوله» می‌گوییم. آلمانی‌زبان‌ها این «ا» را واضح می‌شنوند. از همین روز اول آن را حذف کنید: «شتات»، «شوله»، «شپرت».

سلام و خداحافظی

آلمانی	معنی	کی بگوییم
Guten Morgen!	صبح به خیر	تا حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱ صبح
Guten Tag!	روز به خیر، سلام (رسمی)	از اواخر صبح تا عصر
Guten Abend!	عصر به خیر	از حدود ساعت ۶ عصر
Gute Nacht!	شب به خیر	فقط موقع رفتن به خواب، نه برای سلام
Hallo!	سلام (دوستانه)	همه‌جا، بین آشناها و جوان‌ها
Grüß Gott! / Servus!	سلام (جنوب آلمان و اتریش)	در بایرن و اتریش رایج است

آلمانی	معنی	کی بگوئیم
Auf Wiedersehen!	خداحافظ (رسمی)	در مغازه، اداره و آزمون
Auf Wiederhören!	خداحافظ (پشت تلفن)	فقط در تماس تلفنی
Tschüss!	خداحافظ (دوستانه)	بین دوستان و همکاران
Bis morgen! / Bis bald!	تا فردا! / به امید دیدار!	وقتی دوباره همدیگر را می‌بینید

اعداد

۷ sieben	۶ sechs	۵ fünf	۴ vier	۳ drei	۲ zwei	۱ eins	۰ null
۱۵ fünfzehn	۱۴ vierzehn	۱۳ dreizehn	۱۲ zwölf	۱۱ elf	۱۰ zehn	۹ neun	۸ acht
۴۰ vierzig	۳۰ dreißig	۲۱ einundzwanzig	۲۰ zwanzig	۱۹ neunzehn	۱۸ achtzehn	۱۷ siebzehn	۱۶ sechzehn
۱۰۰۰ (ein)tausend	۱۰۱ hunderteins	۱۰۰ (ein)hundert	۹۰ neunzig	۸۰ achtzig	۷۰ siebzig	۶۰ sechzig	۵۰ fünfzig

ویژۀ فارسی‌زبان‌ها

اعداد ۲۱ تا ۹۹ برعکس گفته می‌شوند

آلمانی‌ها اول یکان و بعد دهگان را می‌گویند: **einundzwanzig** یعنی «یک و بیست» (۲۱)، **siebenunddreißig** یعنی «هفت و سی» (۳۷). در شنیدن شماره تلفن و قیمت این مهم‌ترین تله است. شماره تلفن را معمولاً رقم به رقم یا دورقمی می‌گویند.

سال‌ها تا ۱۹۹۹ صدگانی خوانده می‌شوند و از ۲۰۰۰ به بعد هزارگانی: **neunzehnhundertfünfundneunzig** = ۱۹۹۵ و **2026** **zweitausendsechszwanzig**.
der erste, zweite, dritte, vierte ... zwanzigste: عدهای ترتیبی برای تاریخ:
Heute ist der 3. Mai. (امروز سوم مه است). **Ich habe am 21. März Geburtstag.** (تولد من ۲۱ مارس است).

ساعت

ساعت را دو جور می‌گویند: رسمی (در اعلان‌ها، ایستگاه و برنامه کاری، با ۲۴ ساعت) و محاوره‌ای (با **Vierteil** و **halb**).



Viertel nach acht

۸:۱۵



halb neun

۸:۳۰ (نیم مانده به ۹)



Viertel vor neun

۸:۴۵

مجاورهای	رسمی	ساعت
acht Uhr	acht Uhr	8:00
fünf nach acht	acht Uhr fünf	8:05
Viertel nach acht	acht Uhr fünfzehn	8:15
halb neun	acht Uhr dreißig	8:30
Viertel vor neun	acht Uhr fünfundvierzig	8:45
zehn vor neun	acht Uhr fünfzig	8:50
halb neun (abends)	zwanzig Uhr dreißig	20:30

ویژه فارسی زبان ها

halb drei یعنی ۲:۳۰، نه ۳:۳۰

halb یعنی «نیم ساعت مانده به ساعت بعد». فارسی زبان ها معمولاً آن را «سه و نیم» می فهمند و سر قرار یک ساعت دیر می رسند! **Viertel nach** یعنی «و ربع» و **Viertel vor** یعنی «یک ربع مانده به».

سؤال ها: **Wie spät ist es? / Wie viel Uhr ist es?** (ساعت چند است؟) و **Um wie viel Uhr ...?** (چه ساعتی ...؟). جواب:

Um acht Uhr. / Es ist halb neun.

روزها، ماهها و تاریخ

معنی	روز
دوشنبه	der Montag
سه شنبه	der Dienstag
چهارشنبه	der Mittwoch
پنجشنبه	der Donnerstag

معنی	روز
جمعه	der Freitag
شنبه	der Samstag
یکشنبه	der Sonntag

ماه‌ها (همه مذکر): **Januar, Februar, März, April, Mai, Juni, Juli, August, September, Oktober, November, Dezember**. فصل‌ها: **der Frühling** (بهار)، **der Sommer** (تابستان)، **der Herbst** (پاییز)، **der Winter** (زمستان).

ویژۀ فارسی‌زبان‌ها

تقویم شمسی را میلادی کنید

در آلمان هفته از دوشنبه شروع می‌شود و تعطیلی آخر هفته شنبه و یکشنبه است. تاریخ با ترتیب روز، ماه، سال و نقطه نوشته می‌شود: **21.03.1995**. اگر متولد ۱ فروردین ۱۳۷۴ هستید، در فرم‌ها می‌نویسید **21.03.1995**. تاریخ تولد خود و اعضای خانواده‌تان را یک بار تبدیل کنید و همراه داشته باشید.

چرب‌زبان
charbzaban.com



درس‌ها به ترتیبی چیده شده‌اند که هر درس فقط از درس‌های قبلی استفاده کند. پایان هر درس یک تمرین کوتاه هست و پاسخ‌ها در آخر کتابچه آمده‌اند.

ضمیرهای شخصی و فعل sein

Personalpronomen und sein

۱

هر جملهٔ آلمانی یک فاعل و یک فعل صرف‌شده دارد. اولین فعلی که باید بی‌نقص بلد باشید **sein** (بودن) است، چون با آن خودتان را معرفی می‌کنید، شغل و ملیت و حالتان را می‌گویید.

ضمیر	معنی	sein (بودن)	مثال
ich	من	bin	Ich bin Sara.
du	تو (دوستانه)	bist	Du bist sehr nett.
er	او (مذکر)	ist	Er ist Lehrer.
sie	او (مؤنث)	ist	Sie ist Ärztin.
es	آن، او (خنثی)	ist	Es ist kalt.
wir	ما	sind	Wir sind aus dem Iran.
ihr	شما (جمع، دوستانه)	seid	Ihr seid pünktlich.
sie	آنها	sind	Sie sind in Berlin.
Sie	شما (رسمی)	sind	Sind Sie Herr Weber?

ویژه فارسی‌زبان‌ها

ویژه فارسی‌زبان‌ها: «او» در آلمانی سه شکل دارد

در فارسی «او» برای مرد و زن یکی است، اما آلمانی بین **er** و **sie** فرق می‌گذارد. نکتهٔ مهم‌تر اینکه برای اشیا هم از همین ضمیرها استفاده می‌شود و ضمیر از آرتیکل اسم پیروی می‌کند: **Wo ist der Tisch? – Er ist hier.** (میز کجاست؟ اینجا است.) **Die Lampe ist neu. Sie ist schön.** (چراغ نو است. قشنگ است.)

du یا Sie؟

du و **Sie** تقریباً مثل «تو» و «شما»ی فارسی‌اند. با دوست، خانواده و بچه‌ها **du**، با غریبه‌ها، در اداره، مغازه و آزمون **Sie**.
Sie رسمی همیشه با حرف بزرگ نوشته می‌شود و فعلش مثل «آنها» صرف می‌شود.

شغل را بدون آرتیکل می‌گویند، درست مثل فارسی: **Ich bin Ingenieur.** (من مهندس‌م.) برای زن‌ها معمولاً پسوند **-in** به شغل اضافه می‌شود: **Ich bin Ingenieurin.**

تمرین گرامر ۱

فعل sein را صرف کنید.

1. Ich ___ müde.

2. ___ du Student?

3. Das ___ meine Mutter.

4. Wir ___ in Berlin.

5. Ihr ___ sehr nett.

زمان حال و فعل haben

Präsens und haben

۲

بیشتر فعل‌های آلمانی باقاعده‌اند: **-en** یا **-n** را از آخر مصدر برمی‌دارید تا ریشه بماند و بعد شناسه اضافه می‌کنید.
wohnen → ریشه **wohn-**

ضمیر	شناسه	wohnen	arbeiten	heißen	haben
ich	-e	wohne	arbeite	heiße	habe
du	-st	wohnst	arbeitest	heißt	hast
er / sie / es	-t	wohnt	arbeitet	heißt	hat
wir	-en	wohnen	arbeiten	heißen	haben
ihr	-t	wohnt	arbeitet	heißt	habt
sie / Sie	-en	wohnen	arbeiten	heißen	haben

دو استثنای کوچک: اگر ریشه به **-t** یا **-d** ختم شود، پیش از شناسه یک **e** اضافه می‌شود (**er findet**, **du arbeitest**). اگر ریشه **s**, **ß** یا **z** ختم شود، برای **du** فقط **-t** می‌آید (**du tanzt**, **du heißt**). **haben** نامنظم است و باید جداگانه حفظ شود.

Ich habe Hunger.

گرسنه‌ام.

Hast du heute Zeit?

امروز وقت داری؟

Wir haben zwei Kinder.

ما دو بچه داریم.

ویژه فارسی زبان‌ها

ویژه فارسی زبان‌ها: زمان حال برای آینده هم هست

مثل فارسی که می‌گوییم «فردا می‌روم»، آلمانی هم برای آینده از زمان حال استفاده می‌کند:
Morgen fahre ich nach Hamburg. (فردا به هامبورگ می‌روم.) برای «دارم ... می‌کنم» هم شکل جداگانه‌ای وجود ندارد:
Ich lerne jetzt Deutsch. یعنی «الان دارم آلمانی می‌خوانم».

تمرین گرامر ۲

فعل داخل پرانتز را صرف کنید.

1. du ____ (lernen)

2. er ____ (arbeiten)

3. wir ____ (haben)

4. ihr ____ (wohnen)

5. du ____ (heißen)

فعل‌هایی که مصوتشان عوض می‌شود

Verben mit Vokalwechsel

۳

بعضی فعل‌های پرکاربرد فقط در دو شکل **du** و **er/sie/es** مصوت ریشه را عوض می‌کنند. بقیه صرف کاملاً باقاعده است.

er / sie / es	du	ich	معنی	مصدر
spricht	sprichst	spreche	صحبت کردن	sprechen
isst	isst	esse	خوردن	essen
nimmt	nimmst	nehme	برداشتن، گرفتن	nehmen
gibt	gibst	gebe	دادن	geben
hilft	hilfst	helfe	کمک کردن	helfen
trifft	triffst	treffe	ملاقات کردن	treffen
liest	liest	lese	خواندن	lesen
sieht	siehst	sehe	دیدن	sehen

مصدر	معنی	ich	du	er / sie / es
fahren	(با وسیله) رفتن	fahre	fährst	fährt
schlafen	خوابیدن	schlafe	schläfst	schläft
laufen	دویدن، پیاده رفتن	laufe	läufst	läuft
wissen	دانستن	weiß	weißt	weiß

سه الگو را به خاطر بسپارید: **e → i** (sprechen → spricht)، **e → ie** (sehen → sieht) و **a → ä** (fahren → fährt). **wissen** کاملاً نامنظم است و **ich** و **er** در آن یکی است: **Ich weiß es nicht.** (نمی‌دانم).

نکته

؟fahren یا gehen

فارسی برای هر نوع رفتن «رفتن» می‌گوید. آلمانی برای پیاده رفتن **gehen** و برای رفتن با وسیله نقلیه **fahren** می‌گوید: **Ich fahre mit dem Bus.** (پیاده می‌روم). **Ich gehe zu Fuß.** (با اتوبوس می‌روم).

تمرین گرامر ۳

فعل را صرف کنید.

1. Er ___ gut Deutsch. (sprechen)

2. ___ du gern Fisch? (essen)

3. Sie ___ mit dem Bus. (fahren، sie = او، مؤنث)

4. Was ___ du? (lesen)

5. Er ___ den Zug. (nehmen)

اسم، آرتیکل و جمع

Nomen, Artikel und Plural

۴

هر اسم آلمانی جنس دستوری دارد: مذکر (**der**)، مؤنث (**die**) یا خنثی (**das**). آرتیکل جزء خود واژه است و همیشه باید با اسم حفظ شود. همه اسم‌ها با حرف بزرگ نوشته می‌شوند.



مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
der Tisch	die Lampe	das Fenster	die Tische
ein Tisch	eine Lampe	ein Fenster	– Tische
kein Tisch	keine Lampe	kein Fenster	keine Tische
معین (آن ...)			
نامعین (یک ...)			
منفی (هیچ ...)			

چند نشانه مطمئن برای آرتیکل

نشانه	آرتیکل	مثال
پسوندهای -ung, -heit, -keit, -schaft, -ion, -tät	die	die Wohnung, die Information
پسوندهای -chen و -lein	das	das Mädchen, das Brötchen
روزها، ماه‌ها، فصل‌ها	der	der Montag, der Mai, der Winter
شغل مرد / شغل زن با -in	der / die	der Lehrer, die Lehrerin
همه اسم‌های جمع	die	die Kinder, die Bücher

نکته

اسم مرکب: آرتیکل را جزء آخر تعیین می‌کند

das Haus + die Tür = die Haustür (در ورودی خانه). **der Kaffee + die Tasse = die Kaffeetasse** (فنجان قهوه).

اگر جزء آخر را بلدید، آرتیکل کل واژه را هم بلدید.

الگوهای جمع

الگو	مفرد	جمع
-e	der Tisch	die Tische
“-e	der Stuhl	die Stühle
-er / “-er	das Kind / das Buch	die Kinder / die Bücher

الگو	مفرد	جمع
-(e)n	die Lampe / die Frau	die Lampen / die Frauen
-s	das Auto / das Handy	die Autos / die Handys
بدون تغییر / فقط "	der Lehrer / die Mutter	die Lehrer / die Mütter

قاعدهٔ کاملی برای جمع وجود ندارد؛ برای همین در بخش واژگان این کتابچه کنار هر اسم شکل جمعش آمده است. فقط یک قاعده بی‌استثناست: اسم‌های مؤنثی که به **-e** ختم می‌شوند تقریباً همیشه با **-n** جمع بسته می‌شوند.

ویژهٔ فارسی‌زبان‌ها

ویژهٔ فارسی‌زبان‌ها: رنگ را جایگزین منطق کنید

جنس دستوری در آلمانی بیشتر وقت‌ها منطقی نیست؛ **das Mädchen** (دختر) خنثی است. برای ذهن فارسی‌زبان، که هیچ تجربه‌ای از جنس دستوری ندارد، رنگ بهترین کمک است: در یادداشت‌ها و کارت‌ها اسم‌های **der** را آبی، **die** را قرمز و **das** را سبز بنویسید. فلش‌کارت‌های آخر همین کتابچه هم با همین رنگ‌ها ساخته شده‌اند.

تمرین گرامر ۴

آرتیکل معین را بنویسید، و برای سه مورد آخر شکل جمع را.

1. Wohnung
2. Mädchen
3. Montag
4. Lehrerin
5. Kaffeetasse
6. das Kind → die
7. das Auto → die
8. die Frau → die

ترتیب کلمات و جملهٔ پرسشی

Satzbau und Fragen



مهم‌ترین قاعدهٔ جمله‌سازی آلمانی این است: در جملهٔ خبری، فعل صرف‌شده همیشه در جایگاه دوم می‌نشیند. جایگاه اول را می‌شود با فاعل، زمان یا مکان پر کرد، اما فعل از جای خود تکان نمی‌خورد.

جایگاه ۱

جایگاه ۲ = فعل

Heute

gehe

ich

ins Kino.

جمله آلمانی از چپ به راست خوانده می‌شود؛ واگن دوم همیشه فعل است.

جایگاه ۱	جایگاه ۲: فعل	بقیه جمله
Ich	gehe	heute ins Kino.
Heute	gehe	ich ins Kino.
Am Montag	habe	ich einen Termin.
In Teheran	wohnt	meine Schwester.

دو نوع سؤال

در سؤال با کلمه پرسشی (W-Frage)، کلمه پرسشی اول و فعل دوم می‌آید: **Wo wohnst du?** در سؤال بله و خیر، فعل اول جمله می‌آید: **Wohnst du in Berlin?**

کلمه پرسشی	معنی	مثال
Wer?	چه کسی؟	Wer ist das?
Was?	چه چیزی؟	Was machst du?
Wo?	کجا؟	Wo wohnen Sie?
Woher?	از کجا؟	Woher kommst du?
Wohin?	به کجا؟	Wohin fährt der Bus?
Wann?	کی؟	Wann beginnt der Kurs?
Wie?	چطور؟	Wie heißen Sie?
Wie viel? / Wie viele?	چقدر؟ / چند تا؟	Wie viele Kinder haben Sie?
Warum?	چرا؟	Warum lernst du Deutsch?
Welcher / Welche / Welches?	کدام؟	Welche Sprachen sprechen Sie?

ویژه فارسی زبان‌ها: doch همان «چرا»ی فارسی است

اگر کسی با جمله منفی بپرسد و جواب شما مثبت باشد، فارسی زبان می‌گوید «چرا». آلمانی دقیقاً همین را دارد: **Kommst du nicht? – Doch, ich komme!** (نمی‌آیی؟ چرا، می‌آیم!) جواب **Ja** در این موقعیت غلط است.

حواستان باشد

خطای رایج

در فارسی فعل آخر جمله می‌آید و ذهن ما آن را به آخر می‌برد: **Ich heute ins Kino gehe** غلط است. اول فعل را در جایگاه دوم بگذارید، بعد بقیه جمله را بچینید.

تمرین گرامر ۵

جمله را مرتب کنید یا سؤال بسازید.

1. heute / ich / arbeite / nicht

2. am Wochenende / wir / Fußball / spielen

3. sprechen / Deutsch / Sie (سؤال بله و خیر)

4. du / wohnst / wo (سؤال با کلمه پرسشی)

منفی کردن با kein و nicht

Negation: nicht und kein

۶

آلمانی دو ابزار برای منفی کردن دارد. **kein** اسم را منفی می‌کند و **nicht** بقیه چیزها را.

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
kein Bruder	keine Zeit	kein Auto	keine Kinder
keinen Bruder	keine Zeit	kein Auto	keine Kinder

kein جای **ein** یا جای «بدون آرتیکل» را می‌گیرد: **Ich habe Zeit. → Ich habe / Ich habe ein Auto. → Ich habe kein Auto. keine Zeit.**

nicht فعل، صفت، قید یا اسم دارای **der/die/das** را منفی می‌کند. جای آن معمولاً آخر جمله یا پیش از همان بخشی است که منفی می‌شود:

Ich komme heute nicht.	امروز نمی‌آیم.
Das ist nicht teuer.	گران نیست.
Ich wohne nicht in Berlin.	در برلین زندگی نمی‌کنم.

ویژۀ فارسی زبان‌ها

ویژۀ فارسی زبان‌ها: منفی دوگانه ممنوع

در فارسی می‌گوییم «هیچ چیز نمی‌فهمم» که دو منفی دارد. در آلمانی فقط یک منفی مجاز است: **Ich verstehe nichts.** (هیچ چیز نمی‌فهمم.) **Niemand ist hier.** (هیچ کس اینجا نیست.) **Ich trinke nie Kaffee.** (هیچ وقت قهوه نمی‌خورم.)

تمرین گرامر ۶

kein یا nicht (با پایانه درست)؟

Ich habe ___ Zeit. 1

Er arbeitet heute ___. 2

Wir haben ___ Kinder. 3

Der Film ist ___ gut. 4

Ich brauche ___ Tüte. 5

حالت مفعولی (Akkusativ)

۷

Der Akkusativ

وقتی اسم مفعول مستقیم جمله است (چیزی که می‌خریم، می‌بینیم، داریم)، در حالت مفعولی می‌آید. خبر خوب: در A1 فقط آرטיکل مذکر عوض می‌شود.

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع	
der / ein / kein / mein	die / eine	das / ein	die / –	فاعلی (Nominativ)
den / einen / keinen / meinen	die / eine	das / ein	die / –	مفعولی (Akkusativ)

Ich habe einen Bruder. یک برادر دارم.

Ich möchte einen Kaffee. یک قهوه می‌خواهم.

Siehst du den Bus? اتوبوس را می‌بینی؟

Ich kaufe eine Jacke. یک کاپشن می‌خرم.

ویژه فارسی زبان‌ها: «را»ی فارسی را به یاد بیاورید

فارسی مفعول را با «را» نشان می‌دهد: «اتوبوس را می‌بینم». آلمانی این نشانه را فقط برای اسم مذکر روی آرتیکل می‌گذارد: **der Bus → Ich sehe den Bus.** هر وقت در ذهنتان «را» آمد و اسم مذکر بود، **den** یا **einen** بگذارید.

ضمیرهای مفعولی

فاعلی	ich	du	er	sie	es	wir	ihr	sie / Sie
مفعولی	mich	dich	ihn	sie	es	uns	euch	sie / Sie

Ich liebe dich. دوستت دارم.

Kennst du ihn? او را می‌شناسی؟

Rufen Sie mich bitte an. لطفاً به من زنگ بزنید.

فعل‌های پرکاربرد با مفعول: **haben, brauchen, kaufen, möchten, nehmen, sehen, suchen, besuchen, essen, trinken, finden, kennen**. عبارت **es gibt** (وجود دارد) هم مفعولی می‌گیرد: **Hier gibt es einen Park.** (اینجا یک پارک هست).

تمرین گرامر ۷

آرتیکل یا ضمیر درست را بنویسید.

1. **Ich brauche __ Stift.** (ein, der Stift)

2. **Wir besuchen __ Großvater.** (unser, der Großvater)

3. **Er kauft __ Brot.** (ein, das Brot)

4. **Hier gibt es __ Supermarkt.** (kein, der Supermarkt)

5. **Ich sehe __.** (er)

حالت متممی (Dativ) در حد A1

Der Dativ – das Wichtigste



در A1 لازم نیست همه جزئیات حالت متممی را بلد باشید. کافی است بدانید بعد از چند حرف اضافه پرکاربرد آرتیکل عوض می‌شود و چند عبارت روزمره را هم حفظ باشید.

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
dem	der	dem	den (+n)
Dativ معین			

مذکر	مؤنث	خنثی	جمع
einem	einer	einem	–
Dativ نامعین			

این حرف‌های اضافه همیشه Dativ می‌گیرند: **mit** (با)، **bei** (نزد، در)، **nach** (بعد از؛ به سوی شهر و کشور)، **von** (از)، **zu** (به سوی)، **aus** (از درون، اهل)، **seit** (از ... تا حالا).

Ich fahre mit dem Bus.	با اتوبوس می‌روم.
Ich wohne bei meiner Tante.	پیش خاله‌ام زندگی می‌کنم.
Er kommt aus der Türkei.	او اهل ترکیه است.
Ich lerne seit einem Monat Deutsch.	یک ماه است آلمانی می‌خوانم.

نکته

ترکیب‌های فشرده

مثال: **in + dem = im / von + dem = vom / bei + dem = beim / zu + der = zur / zu + dem = zum**

Er ist beim Bäcker. Sie fährt zur Arbeit. Ich gehe zum Arzt.

ضمیرهای متممی و عبارت‌های روزمره

فاعلی	ich	du	er	sie	wir	ihr	sie / Sie
Dativ	mir	dir	ihm	ihr	uns	euch	ihnen / Ihnen

Wie geht es dir? – Mir geht es gut.	حالت چطور است؟ خوبم.
Das Essen schmeckt mir.	غذا به من مزه می‌دهد (دوستش دارم).
Die Jacke gefällt mir.	از این کاپشن خوشم می‌آید.
Kannst du mir helfen?	می‌توانی به من کمک کنی؟
Mir ist kalt.	سردم است.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

ویژه فارسی‌زبان‌ها: «سردم است» = **Mir ist kalt**

ساختار فارسی «سردم است» و «خوشم می‌آید» دقیقاً مثل آلمانی است: «به من» سرد است. کسانی که انگلیسی بلدند، **I am cold** را ترجمه می‌کنند و می‌گویند **Ich bin kalt** که یعنی «من آدم سردی هستم»! همان ساختار فارسی را دنبال کنید: **Mir ist kalt / warm.**

zu Hause یا nach Hause؟

zu Hause یعنی «در خانه» (جواب Wo?): Ich bin zu Hause. و nach Hause یعنی «به خانه» (جواب Wohin?): Ich gehe nach Hause.

تمرین گرامر ۸

جای خالی را کامل کنید.

1. Ich fahre mit ___ U-Bahn. (die U-Bahn).

2. Er geht ___ Arzt. (zu + der Arzt).

3. Wie geht es ___? (du).

4. Die Schuhe gefallen ___. (ich).

5. Ich gehe jetzt ___ Hause.

ضمیرهای ملکی

Possessivartikel

۹

ضمیر ملکی جای آرٹیکل می‌نشیند و پایانه‌اش دقیقاً مثل ein و kein است.

مثال	معنی	ضمیر ملکی	شخص
mein Bruder, meine Schwester	م، مال من	mein	ich
dein Handy, deine Tasche	ت	dein	du
sein Auto, seine Frau	ش (مذکر/خنثی)	sein	er / es
ihr Mann, ihre Kinder	ش (مؤنث)	ihr	sie
unser Haus, unsere Wohnung	یمان	unser	wir
euer Lehrer, eure Lehrerin	یتان (جمع دوستانه)	euer	ihr
ihr Garten, ihre Eltern	یشان	ihr	sie
Ihr Name, Ihre Adresse	یتان (رسمی)	Ihr	Sie

پایانه‌ها: مذکر و خنثی بدون پایانه (mein Kind, mein Vater)، مؤنث و جمع با -e (meine Eltern, meine Mutter). در حالت

مفعولی، مذکر -en می‌گیرد: Ich besuche meinen Vater.

ویژه فارسی زبان‌ها: «ش» را باید تفکیک کنید

«کتابش» در فارسی معلوم نمی‌کند کتابِ مرد است یا زن. آلمانی باید معلوم کند: **sein Buch** یعنی کتابِ او (مرد) و **ihr Buch** یعنی کتابِ او (زن). جنس صاحب، ضمیر را تعیین می‌کند؛ جنس شیء پایانه را: **Reza und seine Frau** / **Maryam und ihr Mann**.

تمرین گرامر ۹

ضمیر ملکی را با پایانه درست بنویسید.

1. Das ist __ Mutter. (ich)

2. Wie ist __ Name? (Sie)

3. Reza besucht __ Eltern. (er)

4. Maryam liebt __ Mann. (sie, مؤنث)

5. Ich suche __ Schlüssel. (ich, der Schlüssel)

فعل‌های وجهی

۱۰

Modalverben

فعل‌های وجهی معنای «توانستن، باید، خواستن، اجازه داشتن» را می‌سازند. فعل وجهی در جایگاه دوم صرف می‌شود و فعل اصلی به شکل مصدر به آخر جمله می‌رود. به این ساختار «براکت جمله» (**Satzklammer**) می‌گویند.

Ich	muss	morgen früh	aufstehen.	فعل وجهی
Ich	stehe	morgen früh	auf.	فعل جداشدنی
Ich	bin	heute früh	aufgestanden.	Perfekt

möchten	sollen	dürfen	wollen	müssen	können	
möchte	soll	darf	will	muss	kann	ich
möchtest	sollst	darfst	willst	musst	kannst	du

möchten	sollen	dürfen	wollen	müssen	können	
möchte	soll	darf	will	muss	kann	er / sie / es
möchten	sollen	dürfen	wollen	müssen	können	wir
möchtet	sollt	dürft	wollt	müsst	könnt	ihr
möchten	sollen	dürfen	wollen	müssen	können	sie / Sie
مایل بودن (مؤدبانه)	قرار بودن، باید (به خواست دیگری)	اجازه داشتن	خواستن (قاطع)	مجبور بودن	توانستن	معنی

Ich kann gut kochen.

خوب آشپزی بلدم.

Du musst heute arbeiten.

امروز باید کار کنی.

Hier darf man nicht rauchen.

اینجا سیگار کشیدن ممنوع است.

Ich möchte einen Termin machen.

می‌خواهم وقت بگیرم.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

ویژه فارسی‌زبان‌ها: «نباید» ≠ nicht müssen

این تله بسیار رایج است. **Du musst nicht kommen.** یعنی «لازم نیست بیایی»، نه «نباید بیایی». برای «نباید» از **nicht dürfen** استفاده کنید: **Du darfst hier nicht parken.** (اینجا نباید پارک کنی).

نکته

mögen یا möchten؟

Ich möchte einen Tee. یعنی «یک چای می‌خواهم» (الان، مؤدبانه). **Ich mag Tee.** یعنی «چای را دوست دارم» (به‌طور کلی). صرف mögen: **ich mag, du magst, er mag, wir mögen, ihr mögt, sie mögen**.

تمرین گرامر ۱۰

فعل وجهی را صرف کنید و جمله را کامل کنید.

1. **Ich ___ heute nicht kommen. (können)**

2. **___ du Deutsch sprechen? (können)**

3. **Wir ___ um acht Uhr im Büro sein. (müssen)**

4. **Hier ___ man nicht rauchen. (dürfen)**

5. **Was ___ Sie trinken? (möchten)**

بعضی فعل‌ها یک پیشوند دارند که در جمله ساده از فعل جدا می‌شود و به آخر جمله می‌رود. معنی فعل بدون پیشوند کامل نیست، پس حتماً تا آخر جمله گوش کنید.

فعل	معنی	مثال
anrufen	تلفن زدن	Ich rufe dich morgen an.
aufstehen	بیدار شدن، برخاستن	Er steht um sechs Uhr auf.
einkaufen	خرید کردن	Wir kaufen am Samstag ein.
fernsehen	تلویزیون دیدن	Am Abend sehe ich fern.
mitkommen	همراه آمدن	Kommst du mit?
abholen	دنبال کسی رفتن	Ich hole dich am Bahnhof ab.
ankommen	رسیدن	Der Zug kommt um zehn Uhr an.
einsteigen / aussteigen	سوار شدن / پیاده شدن	Wo steigen wir aus?
umsteigen	عوض کردن خط	In Köln steigen Sie um.
anfangen	شروع کردن	Der Kurs fängt um neun an.
aufräumen	مرتب کردن	Ich räume mein Zimmer auf.
ausfüllen	پر کردن (فرم)	Füllen Sie bitte das Formular aus.

اگر فعل وجهی در جمله باشد، فعل جداشدنی به شکل کامل در آخر جمله می‌آید: **Ich muss morgen früh aufstehen.** پیشوندهای **ge-**، **er-**، **ver-**، **be-** هیچ‌وقت جدا نمی‌شوند: **bezahlen, verstehen, besuchen, erklären.**

نکته

از کجا بفهمم جداشدنی است؟

در فعل جداشدنی، تکیه صدا روی پیشوند است: **AUFstehen, ANrufen.** در فعل جدانشدنی تکیه روی ریشه است: **verSTehen, beZAHlen.**

تمرین گرامر ۱۱

جمله بسازید.

1. ich / um 7 Uhr / aufstehen

2. wir / heute / einkaufen

3. der Film / um 20 Uhr / anfangen

4. ich / dich / heute Abend / anrufen

5. ich / morgen früh / aufstehen / müssen

جمله امری

Der Imperativ

۱۲

با جمله امری خواهش، دستور یا راهنمایی می‌کنیم. در آلمانی سه شکل امری وجود دارد و با **bitte** مؤدبانه می‌شود.

برای	ساخت	kommen	sprechen	anrufen	sein
Sie (رسمی)	مصدر + Sie	Kommen Sie!	Sprechen Sie!	Rufen Sie an!	Seien Sie ...!
du	شکل du بدون -st	Komm!	Sprich!	Ruf an!	Sei ...!
ihr	شکل ihr	Kommt!	Sprecht!	Ruft an!	Seid ...!

Kommen Sie bitte herein!	لطفاً بفرمایید داخل!
Sprechen Sie bitte langsam!	لطفاً آهسته صحبت کنید!
Ruf mich bitte an!	لطفاً به من زنگ بزن!
Sei bitte leise!	لطفاً ساکت باش!

در شکل **du**، تغییر **i** → **e** می‌ماند (**Lies!**، **Nimm!**، **Sprich!**)، اما **a** → **ä** حذف می‌شود: **Fahr langsam!** (آهسته رانندگی کن!).

نکته

در آزمون

در بخش سوم مکالمه آزمون A1 باید با دیدن یک تصویر از هم‌گروهی‌تان چیزی درخواست کنید. دو راه آسان دارید: جمله امری با **bitte** (**Gib mir bitte das Buch!**) یا سؤال با **können** (**Kannst du mir bitte das Buch geben?**).

تمرین گرامر ۱۲

شکل امری را بنویسید.

1. (Sie) warten → ___ bitte!

2. (du) kommen → ___ bitte!

3. (du) nehmen → ___ das Brot!

4. (du) aufstehen → ___ !

5. (ihr) leise sein → ___ leise!

حرف‌های اضافه زمان و مکان

Präpositionen: Zeit und Ort

۱۳

این بخش جواب سه سؤال پرکاربرد است: کی؟ کجا؟ به کجا؟

زمان: Wann?

حرف اضافه	برای	مثال
um	ساعت	um 8 Uhr, um halb zehn
am	روز، بخشی از روز، تاریخ	am Montag, am Abend, am 3. Mai
in der	شب	in der Nacht
im	ماه و فصل	im Mai, im Sommer
von ... bis	از ... تا	von 9 bis 17 Uhr
ab	از ... به بعد	ab Montag
vor / nach	قبل از / بعد از	vor dem Essen, nach dem Kurs



Woher? (از کجا؟)	Wohin? (کجا می‌روی؟)	Wo? (کجا هستی؟)	
von zu Hause	nach Hause	zu Hause	خانه
aus Berlin, aus dem Iran	nach Berlin, in den Iran*	in Berlin, im Iran*	شهر و کشور بی‌آرتیکل
aus dem Kino	ins Kino, in die Schule	im Kino, in der Schule	مکان داخلی
vom Arzt	zum Arzt, zu Freunden	beim Arzt, bei Freunden	نزد شخص

* «ایران» در آلمانی معمولاً با آرتیکل می‌آید (der Iran)، مثل die Türkei و die Schweiz. برای همین می‌گویند im Iran، in den Iran و aus dem Iran. شکل بدون آرتیکل (aus Iran، in Iran) هم امروز رایج و قابل قبول است.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

ویژه فارسی‌زبان‌ها: «به» فارسی چهار ترجمه دارد

«به برلین می‌روم» = nach Berlin، «به سینما می‌روم» = ins Kino، «به دکتر می‌روم» = zum Arzt، «به خانه می‌روم» = nach Hause. این چهار عبارت را مثل یک واژه حفظ کنید.

تمرین گرامر ۱۳

حرف اضافه درست را بنویسید.

1. Der Kurs beginnt __ 9 Uhr.

2. __ Sonntag schlafe ich lange.

3. __ Juli fahren wir ans Meer.

4. Ich fahre morgen __ Hamburg.

5. Am Abend gehen wir __ Kino.

حرف‌های ربط ساده

۱۴

Konjunktionen: und, aber, oder, denn

پنج حرف ربط زیر دو جمله کامل را به هم وصل می‌کنند و ترتیب کلمات را تغییر نمی‌دهند. حرف ربط «جایگاه صفر» دارد و بعد از آن جمله مثل همیشه ادامه پیدا می‌کند.

حرف ربط	معنی	مثال
und	و	Ich wohne in Teheran und meine Schwester wohnt in Isfahan.
aber	اما	Ich spreche Englisch, aber ich spreche nicht gut Deutsch.
oder	یا	Trinkst du Tee oder möchtest du einen Kaffee?

حرف ربط	معنی	مثال
denn	چون	Ich lerne Deutsch, denn ich möchte in Deutschland arbeiten.
sondern	بلکه (بعد از منفی)	Ich komme nicht aus Schiras, sondern aus Täbris.

نکته

weil یا denn؟

هر دو یعنی «چون». بعد از **denn** ترتیب کلمات عادی است، اما **weil** فعل را به آخر جمله می‌برد: **weil ich in Deutschland arbeiten möchte.** در A1 با **denn** کار کنید؛ **weil** را در A2 کامل یاد می‌گیرید.

تمرین گرامر ۱۴

دو جمله را با حرف ربط داده شده وصل کنید.

1. Ich bin müde. Ich gehe schlafen. (und)

2. Das Hemd ist schön. Es ist zu teuer. (aber)

3. Ich komme heute nicht. Ich bin krank. (denn)

4. Er ist nicht Lehrer. Er ist Arzt. (sondern)

زمان گذشته: war، hatte و Perfekt

۱۵

Vergangenheit: war, hatte, Perfekt

در گفت‌وگوی روزمره آلمانی، گذشته را بیشتر با **Perfekt** (شبیه ماضی نقلی فارسی) می‌گویند. فقط **sein** و **haben** را معمولاً به شکل گذشته ساده (**war** و **hatte**) به کار می‌برند.

sie / Sie	ihr	wir	er / sie / es	du	ich	
waren	wart	waren	war	warst	war	sein
hatten	hattet	hatten	hatte	hattest	hatte	haben

Gestern war ich krank.

دیروز بیمار بودم.

Wir hatten keine Zeit.

وقت نداشتیم.

Perfekt = haben یا sein + اسم مفعول در آخر جمله

Ich habe gestern gearbeitet.

دیروز کار کردم.

Wir haben Pizza gegessen.

پیتزا خوردیم.

بیشتر فعل‌ها با **haben** می‌آیند. فعل‌هایی که حرکت از جایی به جایی یا تغییر حالت را نشان می‌دهند، با **sein**: **gehen, fahren, bleiben, kommen, fliegen, aufstehen** و همین‌طور خود **sein** و **bleiben**.

مصدر	Perfekt	معنی
machen	hat gemacht	انجام داد
kaufen	hat gekauft	خرید
arbeiten	hat gearbeitet	کار کرد
einkaufen	hat eingekauft	خرید کرد
telefonieren	hat telefoniert	تلفنی صحبت کرد
bezahlen	hat bezahlt	پرداخت کرد
essen	hat gegessen	خورد
trinken	hat getrunken	نوشید
sehen	hat gesehen	دید
lesen	hat gelesen	خواند
schreiben	hat geschrieben	نوشت
schlafen	hat geschlafen	خوابید
gehen	ist gegangen	رفت (پیاده)
fahren	ist gefahren	رفت (با وسیله)
kommen	ist gekommen	آمد
fliegen	ist geflogen	پرواز کرد
aufstehen	ist aufgestanden	بیدار شد
bleiben	ist geblieben	ماند

الگو: فعل‌های باقاعده **ge-...-t** می‌گیرند (**gemacht**)، فعل‌های بی‌قاعده معمولاً **ge-...-en** (**gegessen**). در فعل جداشدنی **ge** وسط می‌آید (**eingekauft**). فعل‌های **-ieren** و فعل‌های با پیشوند **be-** و **ver-** اصلاً **ge** نمی‌گیرند (**bezahlt, telefoniert, verstanden**).

ویژه فارسی زبان‌ها: ساختار آشنا، جای متفاوت

Perfekt مثل «رفته‌ام» دو بخش دارد: فعل کمکی و اسم مفعول. تفاوت در جای آن‌هاست: فعل کمکی در جایگاه دوم و اسم مفعول در آخر جمله: **Ich bin gestern mit meiner Schwester ins Kino gegangen.** (دیروز با خواهرم به سینما رفتم.)

تمرین گرامر ۱۵

جمله را به Perfekt برگردانید.

1. Ich kaufe Brot.

2. Er trinkt Kaffee.

3. Wir fahren nach Hamburg.

4. Sie steht um 7 Uhr auf. (او، مؤنث = Sie)

5. Ich bin müde. (یا war)

دوست داشتن، تکرار و es gibt

۱۶

gern, Lieblings-, oft, man

چند ابزار کوچک که جمله‌های شما را طبیعی‌تر می‌کند.

gern: «دوست دارم کاری را انجام دهم»

فارسی زبان می‌خواهد بگوید «دوست دارم شنا کنم» و دو فعل به کار می‌برد. آلمانی فقط یک فعل دارد و **gern** را بعد از آن می‌گذارد:

Ich schwimme gern.

شنا کردن را دوست دارم.

Ich koche nicht gern.

آشپزی را دوست ندارم.

Ich trinke lieber Tee.

چای را ترجیح می‌دهم.

برای اسم‌ها از **mögen** استفاده می‌شود (**Ich mag Musik.**) و برای «مورد علاقه» از پیشوند **Liebings-**:

Meine Lieblingsfarbe ist Blau. Mein Lieblingsessen ist Pizza.

قیدهای تکرار

مثال	معنی	قید
Ich frühstücke immer um sieben.	همیشه	immer
Ich fahre meistens mit dem Rad.	بیشتر وقت‌ها	meistens

مثال	معنی	قید
Wir gehen oft ins Kino.	اغلب	oft
Manchmal koche ich.	گاهی	manchmal
Ich sehe selten fern.	به ندرت	selten
Er trinkt nie Kaffee.	هرگز	nie

man: فاعل کلی

man یعنی «آدم، هر کس» و فعلش مثل **er** صرف می شود. روی تابلوها و در قوانین زیاد می آید: **Hier darf man nicht parken.** (اینجا پارک ممنوع است). **Wie schreibt man das?** (این را چطور می نویسند؟)

تمرین گرامر ۱۶

با gern یا mögen جمله بسازید.

1. **ich / tanzen** (دوست دارم)

2. **er / Fußball spielen** (دوست ندارد)

3. **wir / Kaffee** (دوست داریم، با mögen)

4. **du / lesen** (دوست داری؟)



بخش ۳

واژگان موضوعی: ۱۹۲ واژه

Wortschatz nach Themen

واژه‌ها در ۱۲ موضوع پرکاربرد آزمون A1 چیده شده‌اند. کنار هر اسم آرتیکل و شکل جمع آمده و هر واژه یک جمله نمونه با ترجمه دارد. رنگ نوار کنار هر اسم جنس آن را نشان می‌دهد.

۱. اطلاعات شخصی

Person



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
der Name	die Namen	نام	Wie ist Ihr Name? اسم شما چیست؟
der Vorname	die Vornamen	نام کوچک	Mein Vorname ist Sara. نام کوچک من سارا است.
der Familienname	die Familiennamen	نام خانوادگی	Wie ist Ihr Familienname? نام خانوادگی‌تان چیست؟
die Adresse	die Adressen	نشانی	Wie ist Ihre Adresse? نشانی‌تان چیست؟
die Telefonnummer	die Telefonnummern	شماره تلفن	Wie ist Ihre Telefonnummer? شماره تلفن‌تان چیست؟
das Alter	–	سن	Alter: 26 Jahre سن: ۲۶ سال
das Land	die Länder	کشور	Iran ist ein großes Land. ایران کشور بزرگی است.
die Stadt	die Städte	شهر	Teheran ist eine große Stadt. تهران شهر بزرگی است.
die Sprache	die Sprachen	زبان	Ich spreche drei Sprachen. سه زبان صحبت می‌کنم.
der Beruf	die Berufe	شغل	Was sind Sie von Beruf? شغل‌تان چیست؟
geboren	–	متولد	Ich bin in Täbris geboren. در تبریز به دنیا آمده‌ام.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
verheiratet	–	متأهل	Ich bin verheiratet. متأهلم.
ledig	–	مجرد	Mein Bruder ist ledig. برادرم مجرد است.
heißen	er heißt	نام داشتن	Wie heißt du? اسمت چیست؟
kommen (aus)	er kommt	اهل ... بودن	Ich komme aus dem Iran. اهل ایرانم.
wohnen	er wohnt	ساکن بودن	Wir wohnen in Isfahan. ما در اصفهان زندگی می‌کنیم.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

نکته این موضوع

نام شهرهای ایران به آلمانی: Teheran, Isfahan, Schiras, Täbris, Maschhad, Karadsch, Ahwas, Rascht, Kermanschah. ملیت: Ich bin Iraner. (مرد) / Ich bin Iranerin. (زن). زبان فارسی: Persisch.

۲. خانواده و آدم‌ها

Familie



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Familie	die Familien	خانواده	Meine Familie ist groß. خانواده‌ام بزرگ است.
die Eltern		پدر و مادر فقط جمع	Meine Eltern wohnen in Schiras. پدر و مادرم در شیراز زندگی می‌کنند.
die Mutter	die Mütter	مادر	Meine Mutter ist Lehrerin. مادرم معلم است.
der Vater	die Väter	پدر	Mein Vater arbeitet viel. پدرم زیاد کار می‌کند.
der Bruder	die Brüder	برادر	Ich habe einen Bruder. یک برادر دارم.
die Schwester	die Schwestern	خواهر	Meine Schwester studiert. خواهرم دانشجویست.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Geschwister		خواهر و برادر فقط جمع	Hast du Geschwister? خواهر یا برادر داری؟
der Sohn	die Söhne	پسر (فرزند)	Unser Sohn ist fünf Jahre alt. پسرمان پنج سال دارد.
die Tochter	die Töchter	دختر (فرزند)	Ihre Tochter heißt Lena. اسم دخترش لنا است.
das Kind	die Kinder	بچه	Wie viele Kinder haben Sie? چند بچه دارید؟
die Großeltern		پدربزرگ و مادربزرگ فقط جمع	Meine Großeltern leben in Rascht. پدربزرگ و مادربزرگم در رشت زندگی می‌کنند.
der Mann	die Männer	مرد؛ شوهر	Das ist mein Mann. این شوهرم است.
die Frau	die Frauen	زن؛ همسر؛ خانم	Das ist Frau Becker. این خانم بکر است.
der Freund	die Freunde	دوست (مرد)	Ali ist ein Freund von mir. علی یکی از دوستان من است.
die Freundin	die Freundinnen	دوست (زن)	Meine Freundin wohnt in Köln. دوستم در کلن زندگی می‌کند.
das Baby	die Babys	نوزاد	Das Baby schläft. نوزاد خواب است.

نکته

نکته این موضوع

mein Freund و **meine Freundin** بسته به موقعیت می‌تواند به معنی «دوست‌پسر» و «دوست‌دختر» هم باشد. برای «یکی از دوستانم» بگویید: **ein Freund von mir**.

۳. کار و آموزش

Arbeit und Lernen



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Arbeit	die Arbeiten	کار	Ich gehe zur Arbeit. سر کار می‌روم.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
arbeiten	er arbeitet	کار کردن	Wo arbeiten Sie? کجا کار می‌کنید؟
der Lehrer / die Lehrerin	die Lehrer / die Lehrerinnen	معلم	Unsere Lehrerin heißt Frau Wolf. اسم معلممان خانم وولف است.
der Arzt / die Ärztin	die Ärzte / die Ärztinnen	پزشک	Meine Schwester ist Ärztin. خواهرم پزشک است.
der Ingenieur / die Ingenieurin	die Ingenieure / die Ingenieurinnen	مهندس	Er ist Ingenieur. او مهندس است.
der Student / die Studentin	die Studenten / die Studentinnen	دانشجو	Ich bin Studentin. من دانشجو هستم.
der Kurs	die Kurse	دوره، کلاس	Der Kurs beginnt um neun Uhr. کلاس ساعت نه شروع می‌شود.
die Schule	die Schulen	مدرسه	Meine Tochter geht in die Schule. دخترم به مدرسه می‌رود.
das Büro	die Büros	دفتر کار	Ich arbeite im Büro. در دفتر کار می‌کنم.
die Firma	die Firmen	شرکت	Er arbeitet bei einer Firma in München. او در یک شرکت در مونیخ کار می‌کند.
der Kollege / die Kollegin	die Kollegen / die Kolleginnen	همکار	Meine Kollegen sind nett. همکارانم مهربان‌اند.
die Pause	die Pausen	استراحت، زنگ تفریح	Wir machen eine Pause. استراحت می‌کنیم.
das Buch	die Bücher	کتاب	Öffnen Sie bitte das Buch. لطفاً کتاب را باز کنید.
das Wort	die Wörter	واژه	Ich kenne das Wort nicht. این واژه را نمی‌شناسم.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
lernen	er lernt	یاد گرفتن	Ich lerne seit drei Monaten Deutsch. سه ماه است آلمانی یاد می‌گیرم.
verstehen	er versteht	فهمیدن	Ich verstehe das nicht. این را نمی‌فهمم.

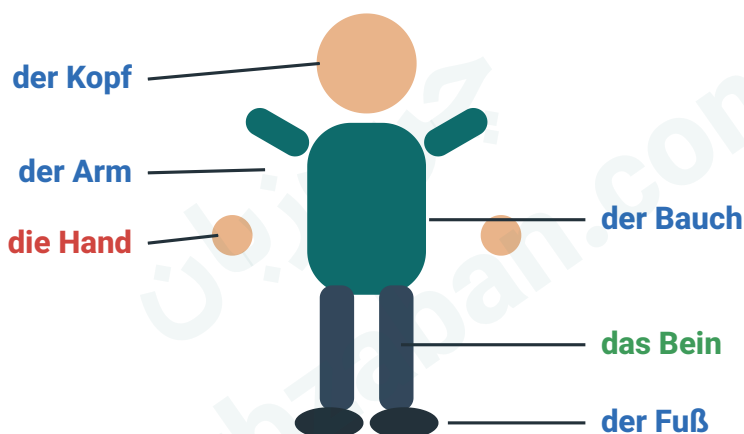
۴. بدن و سلامت

Körper und Gesundheit



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
der Kopf	die Köpfe	سر	Mein Kopf tut weh. سر من درد می‌کند.
das Auge	die Augen	چشم	Sie hat blaue Augen. چشم‌هایش آبی است.
das Ohr	die Ohren	گوش	Mein Ohr tut weh. گوشم درد می‌کند.
der Mund	die Münder	دهان	Öffnen Sie bitte den Mund. لطفاً دهانتان را باز کنید.
der Bauch	die Bäuche	شکم	Ich habe Bauchschmerzen. دل‌درد دارم.
der Arm	die Arme	بازو، کل دست	Mein Arm tut weh. دستم (بازویم) درد می‌کند.
die Hand	die Hände	دست (کف و انگشتان)	Er gibt mir die Hand. با من دست می‌دهد.
das Bein	die Beine	پا (ساق و ران)	Mein rechtes Bein tut weh. پای راستم درد می‌کند.
der Fuß	die Füße	پا (از مچ به پایین)	Ich gehe zu Fuß. پیاده می‌روم.
krank	–	بیمار	Ich bin krank. بیمارم.
gesund	–	سالم	Obst ist gesund. میوه سالم است.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Fieber	–	تب	Das Kind hat Fieber. بچه تب دارد.
der Arzt	die Ärzte	پزشک	Ich muss zum Arzt. باید پیش دکتر بروم.
die Apotheke	die Apotheken	داروخانه	Die Apotheke ist neben der Bank. داروخانه کنار بانک است.
das Medikament	die Medikamente	دارو	Nehmen Sie das Medikament dreimal am Tag. دارو را روزی سه بار مصرف کنید.
die Praxis	die Praxen	مطب	Die Praxis ist am Mittwoch geschlossen. مطب چهارشنبه تعطیل است.



ویژه فارسی‌زبان‌ها

نکته این موضوع

«دست» و «پا» در فارسی دو معنا دارند. آلمانی آن‌ها را جدا می‌کند: **der Arm** کل بازو و **die Hand** کف دست؛ **das Bein** ساق و ران و **der Fuß** پایین مچ. برای «داروخانه» همیشه **die Apotheke** را بگویید؛ **die Drogerie** فروشگاه لوازم بهداشتی و آرایشی است و داروی تجویزی نمی‌فروشد.

۵. غذا و نوشیدنی

Essen und Trinken



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Frühstück	–	صبحانه	Was isst du zum Frühstück? صبحانه چه می‌خوری؟

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Mittagessen	–	ناهار	Das Mittagessen ist um eins. ناهار ساعت یک است.
das Abendessen	–	شام	Wir kochen das Abendessen zusammen. شام را با هم می‌پزیم.
das Brot	die Brote	نان	Ich kaufe ein Brot. یک نان می‌خرم.
das Brötchen	die Brötchen	نان کوچک صبحانه	Zwei Brötchen, bitte. دو نان کوچک، لطفاً.
der Käse	–	پنیر	Ich esse gern Käse. پنیر دوست دارم.
das Ei	die Eier	تخم‌مرغ	Möchtest du ein Ei? تخم‌مرغ می‌خواهی؟
die Milch	–	شیر	Die Milch ist im Kühlschrank. شیر در یخچال است.
der Apfel	die Äpfel	سیب	Ein Kilo Äpfel, bitte. یک کیلو سیب، لطفاً.
die Kartoffel	die Kartoffeln	سیب‌زمینی	Ich brauche Kartoffeln. سیب‌زمینی لازم دارم.
der Reis	–	برنج	Wir essen oft Reis. ما اغلب برنج می‌خوریم.
das Fleisch	–	گوشت	Ich esse kein Schweinefleisch. گوشت خوک نمی‌خورم.
der Fisch	die Fische	ماهی	Der Fisch ist frisch. ماهی تازه است.
das Gemüse	–	سبزیجات	Gemüse ist gesund. سبزیجات سالم است.
das Wasser	–	آب	Ein Glas Wasser, bitte. یک لیوان آب، لطفاً.
der Saft	die Säfte	آب‌میوه	Möchtest du einen Apfelsaft? آب سیب می‌خواهی؟

نکته این موضوع

در آلمانی نوشیدنی را «می‌نوشند» (trinken)، حتی چای و آب: Ich trinke Tee. گفتن Ich esse Tee مثل ترجمه «چای می‌خورم» غلط است.

۶. خرید و لباس

Einkaufen und Kleidung



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Geschäft	die Geschäfte	مغازه	Die Geschäfte schließen um 20 Uhr. مغازه‌ها ساعت ۲۰ بسته می‌شوند.
der Supermarkt	die Supermärkte	سوپرمارکت	Der Supermarkt ist am Sonntag geschlossen. سوپرمارکت یکشنبه تعطیل است.
der Markt	die Märkte	بازار	Am Samstag gehen wir auf den Markt. شنبه به بازار می‌رویم.
der Preis	die Preise	قیمت	Die Preise sind hoch. قیمت‌ها بالاست.
das Geld	–	پول	Hast du Geld dabei? پول همراهت هست؟
die Kasse	die Kassen	صندوق	Zahlen Sie bitte an der Kasse. لطفاً سر صندوق پرداخت کنید.
billig	–	ارزان	Die Jacke ist billig. کاپشن ارزان است.
teuer	–	گران	Das ist mir zu teuer. این برایم زیادی گران است.
kaufen	er kauft	خریدن	Ich kaufe eine Hose. یک شلوار می‌خرم.
bezahlen	er bezahlt	پرداخت کردن	Kann ich mit Karte bezahlen? می‌توانم با کارت پرداخت کنم؟
die Kleidung	–	لباس (کلی)	Wo finde ich Kleidung? لباس را کجا پیدا کنم؟
die Hose	die Hosen	شلوار	Die Hose ist zu lang. شلوار زیادی بلند است.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Hemd	die Hemden	پیراهن (مردانه)	Das Hemd ist weiß. پیراهن سفید است.
die Jacke	die Jacken	کاپشن، کت	Zieh eine Jacke an, es ist kalt. کاپشن بپوش، هوا سرد است.
der Schuh	die Schuhe	کفش	Die Schuhe sind bequem. کفش‌ها راحت‌اند.
die Größe	die Größen	اندازه، سایز	Haben Sie das in Größe 40? این را در سایز ۴۰ دارید؟

ویژه فارسی‌زبان‌ها

نکته این موضوع

در آلمان بیشتر مغازه‌ها یکشنبه تعطیل‌اند. این برای ایرانی که به تعطیلی جمعه عادت دارد، یکی از اولین غافلگیری‌هاست؛ خریدتان را شنبه انجام دهید.

۷. خانه و وسایل

Wohnen



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Wohnung	die Wohnungen	آپارتمان	Die Wohnung hat drei Zimmer. آپارتمان سه اتاق دارد.
das Haus	die Häuser	خانه، ساختمان	In welchem Haus wohnst du? در کدام ساختمان زندگی می‌کنی؟
das Zimmer	die Zimmer	اتاق	Das Zimmer ist hell. اتاق روشن است.
die Küche	die Küchen	آشپزخانه	Die Küche ist klein. آشپزخانه کوچک است.
das Bad	die Bäder	حمام و سرویس	Das Bad ist neu. حمام نو است.
das Schlafzimmer	die Schlafzimmer	اتاق خواب	Das Schlafzimmer ist ruhig. اتاق خواب آرام است.
das Wohnzimmer	die Wohnzimmer	اتاق نشیمن	Wir sehen im Wohnzimmer fern. در اتاق نشیمن تلویزیون می‌بینیم.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
der Balkon	die Balkone	بالکن	Die Wohnung hat einen Balkon. آپارتمان بالکن دارد.
der Garten	die Gärten	باغچه، حیاط	Wir haben leider keinen Garten. متأسفانه حیاط نداریم.
die Miete	die Mieten	اجاره بها	Die Miete ist 700 Euro. اجاره ۷۰۰ یورو است.
der Tisch	die Tische	میز	Die Fotos liegen auf dem Tisch. عکس‌ها روی میز است.
der Stuhl	die Stühle	صندلی	Wir brauchen noch zwei Stühle. دو صندلی دیگر لازم داریم.
das Bett	die Betten	تخت	Das Bett ist zu klein. تخت زیادی کوچک است.
der Schrank	die Schränke	کمد	Die Gläser stehen im Schrank. لیوان‌ها در کمد است.
das Sofa	die Sofas	مبل راحتی	Das Sofa ist bequem. مبل راحت است.
der Kühlschrank	die Kühlschränke	یخچال	Ist noch Milch im Kühlschrank? هنوز شیر در یخچال هست؟

نکته

نکته این موضوع

«۳-Zimmer-Wohnung» در آگهی‌ها یعنی سه اتاق بدون احتساب آشپزخانه و حمام؛ معمولاً دو اتاق خواب و یک نشیمن. **Kaltemiete** فقط خود اجاره است و **Warmmiete** همراه هزینه گرمایش و شارژ.

۸. شهر و مکان‌ها

In der Stadt



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Straße	die Straßen	خیابان	In welcher Straße wohnen Sie? در کدام خیابان زندگی می‌کنید؟
der Platz	die Plätze	میدان؛ جا	Wir treffen uns am Marktplatz. در میدان بازار همدیگر را می‌بینیم.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Post	–	اداره پست	Wo ist die Post, bitte? ببخشید، اداره پست کجاست؟
die Bank	die Banken	بانک	Die Bank schließt um 16 Uhr. بانک ساعت ۱۶ بسته می‌شود.
das Krankenhaus	die Krankenhäuser	بیمارستان	Das Krankenhaus ist in der Nähe. بیمارستان همین نزدیکی است.
das Kino	die Kinos	سینما	Gehen wir heute ins Kino? امروز سینما برویم؟
das Restaurant	die Restaurants	رستوران	Das Restaurant ist sehr gut. این رستوران خیلی خوب است.
das Café	die Cafés	کافه	Treffen wir uns im Café? در کافه همدیگر را ببینیم؟
das Museum	die Museen	موزه	Das Museum ist am Montag geschlossen. موزه دوشنبه تعطیل است.
der Park	die Parks	پارک	Die Kinder spielen im Park. بچه‌ها در پارک بازی می‌کنند.
die Bäckerei	die Bäckereien	نانوایی	Die Bäckerei öffnet um sechs Uhr. نانوایی ساعت شش باز می‌شود.
das Hotel	die Hotels	هتل	Das Hotel liegt im Zentrum. هتل در مرکز شهر است.
die Polizei	–	پلیس	Rufen Sie die Polizei! پلیس را خبر کنید!
die Ecke	die Ecken	گوشه، سر کوچه	Die Apotheke ist an der Ecke. داروخانه سر نبش است.
geradeaus	–	مستقیم	Gehen Sie immer geradeaus. همین‌طور مستقیم بروید.
links / rechts	–	چپ / راست	Dann gehen Sie rechts. بعد به راست بروید.



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
der Bahnhof	die Bahnhöfe	ایستگاه قطار	Wie komme ich zum Bahnhof? چطور به ایستگاه قطار بروم؟
der Zug	die Züge	قطار	Der Zug hat Verspätung. قطار تأخیر دارد.
der Bus	die Busse	اتوبوس	Wann kommt der nächste Bus? اتوبوس بعدی کی می‌آید؟
die U-Bahn	die U-Bahnen	مترو	Ich nehme die U-Bahn. مترو سوار می‌شوم.
die Straßenbahn	die Straßenbahnen	تراموا	Die Straßenbahn fährt alle zehn Minuten. تراموا هر ده دقیقه حرکت می‌کند.
das Auto	die Autos	ماشین	Er fährt mit dem Auto zur Arbeit. او با ماشین سر کار می‌رود.
das Fahrrad	die Fahrräder	دوچرخه	Ich fahre gern Fahrrad. دوچرخه‌سواری دوست دارم.
das Taxi	die Taxis	تاکسی	Wir nehmen ein Taxi. تاکسی می‌گیریم.
das Flugzeug	die Flugzeuge	هواپیما	Das Flugzeug landet um acht. هواپیما ساعت هشت فرود می‌آید.
der Flughafen	die Flughäfen	فرودگاه	Kannst du mich zum Flughafen bringen? می‌توانی مرا به فرودگاه برسانی؟
die Fahrkarte	die Fahrkarten	بلیت	Wo kann ich eine Fahrkarte kaufen? کجا می‌توانم بلیت بخرم؟
die Haltestelle	die Haltestellen	ایستگاه اتوبوس و تراموا	An der nächsten Haltestelle steigen wir aus. ایستگاه بعد پیاده می‌شویم.
das Gleis	die Gleise	سکوی قطار	Der Zug fährt von Gleis 5. قطار از سکوی ۵ حرکت می‌کند.
der Koffer	die Koffer	چمدان	Ist das Ihr Koffer? این چمدان شماست؟

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Reise	die Reisen	سفر	Gute Reise! سفر خوش!
der Urlaub	die Urlaube	مرخصی، تعطیلات	Im August machen wir Urlaub. در ماه اوت به تعطیلات می‌رویم.

نکته

نکته این موضوع

die Haltestelle برای اتوبوس و تراموا و der Bahnhof برای قطار است. «سوار شدن» و «پایاده شدن» هم فعل جدا دارند: einsteigen و aussteigen.

۱۰. اوقات فراغت

Freizeit



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
die Freizeit	–	وقت آزاد	Was machst du in deiner Freizeit? در وقت آزادت چه کار می‌کنی؟
das Hobby	die Hobbys	سرگرمی	Meine Hobbys sind Lesen und Kochen. سرگرمی‌هایم خواندن و آشپزی است.
der Sport	–	ورزش	Ich mache gern Sport. ورزش کردن را دوست دارم.
der Fußball	–	فوتبال	Spielst du Fußball? فوتبال بازی می‌کنی؟
schwimmen	er schwimmt	شنا کردن	Im Sommer schwimme ich oft. تابستان زیاد شنا می‌کنم.
lesen	er liest	خواندن	Sie liest gern Bücher. او کتاب خواندن را دوست دارد.
kochen	er kocht	آشپزی کردن	Mein Mann kocht sehr gut. شوهرم خیلی خوب آشپزی می‌کند.
tanzen	er tanzt	رقصیدن	Tanzt du gern? رقص دوست داری؟
wandern	er wandert	کوهپیمایی کردن	Am Wochenende wandern wir. آخر هفته کوهپیمایی می‌کنیم.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
reisen	er reist	سفر کردن	Ich reise gern. سفر کردن را دوست دارم.
die Musik	—	موسیقی	Ich höre gern Musik. موسیقی گوش دادن را دوست دارم.
der Film	die Filme	فیلم	Der Film ist langweilig. فیلم خسته کننده است.
das Konzert	die Konzerte	کنسرت	Heute Abend gehen wir ins Konzert. امشب به کنسرت می رویم.
die Party	die Partys	مهمانی	Kommst du zu meiner Party? به مهمانی ام می آیی؟
spielen	er spielt	بازی کردن؛ نواختن	Er spielt Gitarre. او گیتار می زند.
treffen	er trifft	دیدن، ملاقات کردن	Ich treffe meine Freunde im Café. دوستانم را در کافه می بینم.

۱۱. آب و هوا، فصل و رنگ

Wetter, Jahreszeiten, Farben



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Wetter	—	آب و هوا	Wie ist das Wetter heute? امروز هوا چطور است؟
die Sonne	—	خورشید	Die Sonne scheint. آفتاب است.
der Regen	—	باران	Es regnet. باران می بارد.
der Schnee	—	برف	Im Winter gibt es viel Schnee. زمستان برف زیادی می آید.
der Wind	—	باد	Der Wind ist heute sehr stark. امروز باد خیلی شدید است.
warm	—	گرم	Heute ist es warm. امروز هوا گرم است.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
kalt	–	سرد	Im Januar ist es sehr kalt. ژانویه هوا خیلی سرد است.
heiß	–	داغ، خیلی گرم	Im Sommer ist es oft heiß. تابستان اغلب خیلی گرم است.
der Frühling	–	بهار	Im Frühling feiern wir Nouruz. در بهار نوروز را جشن می‌گیریم.
der Sommer	–	تابستان	Im Sommer fahren wir ans Meer. تابستان به کنار دریا می‌رویم.
der Herbst	–	پاییز	Im Herbst regnet es oft. پاییز زیاد باران می‌بارد.
der Winter	–	زمستان	Der Winter in Berlin ist lang. زمستان برلین طولانی است.
rot	–	قرمز	Das Auto ist rot. ماشین قرمز است.
blau	–	آبی	Der Himmel ist blau. آسمان آبی است.
grün	–	سبز	Die Ampel ist grün. چراغ راهنمایی سبز است.
schwarz / weiß	–	سیاه / سفید	Ich trinke den Kaffee schwarz. قهوه را تلخ (بدون شیر) می‌خورم.

نکته

نکته این موضوع

درباره آب و هوا فاعل همیشه es است: Es regnet. Es schneit. Es ist kalt. نام رنگ‌های دیگر: gelb زرد، braun قهوه‌ای، grau خاکستری، orange نارنجی.

۱۲. اداره، بانک و پست

Ämter und Dienstleistungen



واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
das Formular	die Formulare	فرم	Bitte füllen Sie das Formular aus. لطفاً فرم را پر کنید.

واژه	جمع / صرف	معنی	جمله نمونه
der Ausweis	die Ausweise	کارت شناسایی	Haben Sie Ihren Ausweis dabei? کارت شناسایی‌تان همراهتان است؟
der Pass	die Pässe	گذرنامه	Mein Pass ist nicht mehr gültig. گذرنامه‌ام دیگر اعتبار ندارد.
die Unterschrift	die Unterschriften	امضا	Hier fehlt noch Ihre Unterschrift. امضای شما اینجا هنوز نیست.
unterschreiben	er unterschreibt	امضا کردن	Wo muss ich unterschreiben? کجا باید امضا کنم؟
der Termin	die Termine	وقت قبلی، نوبت	Ich habe um zehn einen Termin. ساعت ده وقت دارم.
der Brief	die Briefe	نامه	Ist ein Brief für mich da? نامه‌ای برای من آمده؟
die Briefmarke	die Briefmarken	تمبر	Eine Briefmarke, bitte. یک تمبر، لطفاً.
das Paket	die Pakete	بسته پستی	Ich schicke ein Paket in den Iran. یک بسته به ایران می‌فرستم.
das Konto	die Konten	حساب بانکی	Ich möchte ein Konto eröffnen. می‌خواهم حساب باز کنم.
die Karte	die Karten	کارت	Geht es auch mit Karte? با کارت هم می‌شود؟
die E-Mail	die E-Mails	ایمیل	Schreiben Sie mir eine E-Mail. برایم ایمیل بنویسید.
das Handy	die Handys	گوشی موبایل	Mein Handy ist kaputt. گوشی‌ام خراب است.
anrufen	er ruft ... an	تلفن زدن	Rufen Sie mich morgen an. فردا به من زنگ بزنید.
die Anmeldung	die Anmeldungen	ثبت‌نام؛ پذیرش	Gehen Sie bitte zur Anmeldung. لطفاً به بخش پذیرش بروید.
der Schalter	die Schalter	باجه	Gehen Sie bitte zu Schalter drei. لطفاً به باجه سه بروید.

نکته این موضوع

das Handy واژه آلمانی برای موبایل است؛ آلمانی‌ها برای گوشی تقریباً هیچ‌وقت **Mobile** نمی‌گویند.

چرب‌زبان
charbzaban.com



جمله‌های آماده برای موقعیت‌های روزمره

Redemittel für den Alltag

این جمله‌ها را مثل یک واژه، یکجا حفظ کنید. لازم نیست گرامر هر کدام را تحلیل کنید؛ در موقعیت واقعی همین جمله‌ها هستند که کارتان را راه می‌اندازند.

سلام و خداحافظی Begrüßen und Verabschieden

Wie geht es Ihnen? / Wie geht's?	حالتان چطور است؟ / چطوری؟
Danke, gut. Und Ihnen? / Und dir?	ممنون، خوبم. شما چطورید؟ / تو چطوری؟
Es geht. / Nicht so gut.	ای، بد نیست. / خیلی خوب نیستم.
Freut mich! / Sehr angenehm!	خوشوقتم!
Schönen Tag noch!	روز خوبی داشته باشید!
Bis morgen! / Bis später!	تا فردا! / تا بعد!

معرفی خود Sich vorstellen

Ich heiße ... / Mein Name ist ...	اسم من ... است.
Ich komme aus dem Iran, aus Schiras.	اهل ایرانم، از شیراز.
Ich wohne seit zwei Jahren in Köln.	دو سال است در کلن زندگی می‌کنم.
Ich bin 32 Jahre alt.	۳۲ سال دارم.
Ich bin Krankenpfleger von Beruf.	شغلم پرستاری است.
Ich spreche Persisch, Englisch und ein bisschen Deutsch.	فارسی، انگلیسی و کمی آلمانی صحبت می‌کنم.
Mein Hobby ist Fotografieren.	سرگرمی‌ام عکاسی است.

Wie bitte?	ببخشید، چی فرمودید؟
Können Sie das bitte wiederholen?	لطفاً دوباره بگویید.
Sprechen Sie bitte langsamer.	لطفاً آهسته تر صحبت کنید.
Was bedeutet das?	این یعنی چه؟
Wie heißt das auf Deutsch?	این به آلمانی چه می شود؟
Wie schreibt man das?	این را چطور می نویسند؟
Ich verstehe das nicht.	این را نمی فهمم.

خرید Einkaufen

Ich suche eine Jacke.	دنبال یک کاپشن می گردم.
Was kostet das? / Wie viel kostet das?	این چند است؟
Haben Sie das auch in Größe M?	این را در سایز M هم دارید؟
Kann ich das anprobieren?	می توانم امتحانش کنم؟
Das ist zu teuer. Haben Sie etwas Billigeres?	زیادی گران است. چیز ارزان تری دارید؟
Ich nehme das.	این را برمی دارم.
Kann ich mit Karte bezahlen?	می توانم با کارت پرداخت کنم؟

کافه و رستوران Im Café und im Restaurant

Ist der Platz noch frei?	این جا خالی است؟
Die Speisekarte, bitte.	منو، لطفاً.
Ich hätte gern einen Tee.	یک چای می خواهم.
Ich nehme das Hähnchen mit Reis.	مرغ با برنج را انتخاب می کنم.
Ist da Schweinefleisch drin?	گوشت خوک دارد؟
Die Rechnung, bitte. / Zahlen, bitte!	صورت حساب، لطفاً.
Zusammen oder getrennt? – Getrennt, bitte.	با هم حساب کنم یا جدا؟ جدا، لطفاً.

Entschuldigung, wo ist der Bahnhof?	ببخشید، ایستگاه قطار کجاست؟
Wie komme ich zur Post?	چطور به اداره پست بروم؟
Gehen Sie geradeaus und dann links.	مستقیم بروید و بعد به چپ.
Die zweite Straße rechts.	خیابان دوم سمت راست.
Ist das weit? – Nein, nur fünf Minuten zu Fuß.	دور است؟ نه، فقط پنج دقیقه پیاده.
Welcher Bus fährt zum Zentrum?	کدام اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟
Tut mir leid, ich bin nicht von hier.	متأسفم، اهل اینجا نیستم.

وقت گرفتن پشت تلفن Einen Termin machen

Guten Tag, hier ist Reza Karimi.	روز به خیر، رضا کریمی هستم.
Ich möchte einen Termin machen.	می‌خواهم وقت بگیرم.
Haben Sie am Dienstag Zeit?	سه‌شنبه وقت دارید؟
Geht es um zehn Uhr?	ساعت ده امکان دارد؟
Ja, das passt gut.	بله، مناسب است.
Nein, da kann ich leider nicht.	نه، متأسفانه آن موقع نمی‌توانم.
Ich kann leider nicht kommen. Ich muss den Termin absagen.	متأسفانه نمی‌توانم بیایم. باید وقتم را لغو کنم.

پیش پزشک Beim Arzt

Ich habe einen Termin um neun Uhr.	ساعت نه وقت دارم.
Was fehlt Ihnen?	چه مشکلی دارید؟
Ich habe Kopfschmerzen.	سردرد دارم.
Mein Bauch tut weh.	شکم درد می‌کند.
Ich habe seit zwei Tagen Fieber.	دو روز است تب دارم.
Ich bin allergisch gegen Penicillin.	به پنی‌سیلین حساسیت دارم.
Gute Besserung!	زود خوب شوید!

Hast du am Samstag Zeit?	شنبه وقت داری؟
Kommst du mit ins Kino?	با ما به سینما می‌آیی؟
Wann und wo treffen wir uns?	کی و کجا همدیگر را ببینیم؟
Gern! / Gute Idee!	با کمال میل! / فکر خوبی است!
Tut mir leid, ich habe keine Zeit.	متأسفم، وقت ندارم.
Vielen Dank für die Einladung!	خیلی ممنون از دعوت!

خواهش و تشکر Bitten und danken

Können Sie mir bitte helfen?	لطفاً می‌توانید کمک کنید؟
Kannst du bitte das Fenster öffnen?	لطفاً پنجره را باز می‌کنی؟
Darf ich hier sitzen?	اجازه هست اینجا بنشینم؟
Vielen Dank! / Danke schön!	خیلی ممنون!
Bitte! / Gern geschehen!	خواهش می‌کنم!
Entschuldigung! / Tut mir leid.	ببخشید! / متأسفم.



اصطلاحات و عبارتهای ثابت

Redewendungen und feste Ausdrücke

این عبارتهای آلمانیها هر روز به کار می‌برند و معنی‌شان را نمی‌شود کلمه‌به‌کلمه فهمید. ستون «ترجمه تحت‌اللفظی» نشان می‌دهد چرا این‌طور گفته می‌شوند و ستون «معادل فارسی» نشان می‌دهد ما همان حرف را چطور می‌زنیم.

عبارت آلمانی	ترجمه تحت‌اللفظی	معادل فارسی	لحن
Alles klar!	همه‌چیز روشن است	باشه، فهمیدم.	محواره
Kein Problem!	مشکلی نیست	اشکالی ندارد، حتماً.	همه‌جا
Keine Ahnung.	هیچ تصویری ندارم	نمی‌دانم، اصلاً خبر ندارم.	محواره
Das ist mir egal.	برای من یکسان است	برایم فرقی نمی‌کند.	همه‌جا
Na klar!	خب، روشن است	معلومه! البته!	محواره
Mach's gut!	خوب انجامش بده	خداحافظ، مواظب خودت باش.	دوستانه
Gute Besserung!	بهبود خوب	بلا دور باشد، زود خوب شوی.	همه‌جا
Guten Appetit!	اشتهای خوب	نوش جان! (پیش از غذا)	همه‌جا
Viel Glück!	شانس زیاد	موفق باشی!	همه‌جا
Viel Spaß!	تفریح زیاد	خوش بگذره!	همه‌جا
Herzlichen Glückwunsch!	تبریک صمیمانه	تبریک می‌گوییم!	همه‌جا
Alles Gute zum Geburtstag!	همه‌چیز خوب برای تولد	تولدت مبارک!	همه‌جا
Schönes Wochenende!	آخر هفته قشنگ	آخر هفته خوبی داشته باشی!	همه‌جا
Gern geschehen.	با میل انجام شد	خواهش می‌کنم (در جواب تشکر).	همه‌جا
Das macht nichts.	این چیزی نمی‌سازد	اشکالی ندارد، مهم نیست.	همه‌جا
Schade!	حیف	حیف شد!	همه‌جا
Na ja ...	خب ...	ای، چه بگویم... (تردید)	محواره
Moment mal!	یک لحظه	یک لحظه صبر کن!	محواره
Ich habe keine Lust.	میل ندارم	حوصله‌اش را ندارم.	محواره
Feierabend!	عصر جشن	تمام شد، وقت تعطیلی کار است!	محواره

عبارت آلمانی	ترجمه تحت‌اللفظی	معادل فارسی	لحن
Ich verstehe nur Bahnhof.	فقط «ایستگاه قطار» را می‌فهمم	هیچی نمی‌فهمم، برایم چینی است.	محاوره
Ich drücke dir die Daumen.	شست‌هایم را برایت فشار می‌دهم	برایت دعا می‌کنم، امیدوارم موفق شوی.	دوستانه
Toi, toi, toi!	تُی تُی تُی	بزنم به تخته، موفق باشی!	دوستانه
Hals- und Beinbruch!	گردن و پا بشکنند	موفق باشی! (پیش از امتحان یا اجرا)	دوستانه
Das ist mir Wurst.	برایم سوسیس است	برایم هیچ فرقی نمی‌کند.	خیلی محاوره
Das ist nicht mein Ding.	این چیز من نیست	اهلش نیستم، کار من نیست.	محاوره
Ich bin fix und fertig.	ثابت و تمام هستم	از خستگی هلاک شده‌ام.	محاوره
Es ist mir ein bisschen peinlich.	کمی برایم ناخوشایند است	یک کم خجالت می‌کشم.	همه‌جا
Wie geht's, wie steht's?	چطور می‌رود، چطور ایستاده؟	چه خبرا؟ اوضاع چطوره؟	دوستانه
Ende gut, alles gut.	پایان خوب، همه‌چیز خوب	شاهنامه آخرش خوش است.	همه‌جا

نکته

Entschuldigung یا Tut mir leid؟

Entschuldigung! برای جلب توجه یا عذرخواهی کوچک است (ببخشید، می‌شود رد شوم؟). **Tut mir leid.** یعنی

«متأسفم» و برای اظهار تأسف واقعی یا جواب منفی مؤدبانه است: **Tut mir leid, ich habe keine Zeit.**



کالوکیشن‌ها: کدام فعل با کدام اسم؟

Kollokationen: Welches Verb passt?

کالوکیشن یعنی واژه‌هایی که همیشه با هم می‌آیند. فارسی‌زبان‌ها بیشترین خطا را همین‌جا می‌کنند، چون فعل فارسی را کلمه‌به‌کلمه ترجمه می‌کنند: «عکس گرفتن» در آلمانی «عکس ساختن» است.

Hausaufgaben machen	تکلیف نوشتن	Sport machen	ورزش کردن	machen
eine Pause machen	استراحت کردن	ein Foto machen	عکس گرفتن	
einen Termin machen	وقت گرفتن	Urlaub machen	به تعطیلات رفتن	
einen Fehler machen	اشتباه کردن	Frühstück machen	صبحانه آماده کردن	
Zeit haben	وقت داشتن	Hunger / Durst haben	گرسنه / تشنه بودن	haben
Fieber haben	تب داشتن	Geburtstag haben	تولد کسی بودن	
Angst haben	ترسیدن	Lust haben	حوصله/میل داشتن	
		recht haben	حق داشتن، درست گفتن	
Gitarre / Klavier spielen	گیتار / پیانو زدن	Fußball spielen	فوتبال بازی کردن	spielen
		Karten spielen	ورق بازی کردن	
spazieren gehen	قدم زدن	einkaufen gehen	به خرید رفتن	gehen
zum Arzt gehen	پیش دکتر رفتن	ins Kino gehen	به سینما رفتن	
nach Hause gehen	به خانه رفتن	schlafen gehen	به رختخواب رفتن	
Fahrrad fahren	دوچرخه‌سواری کردن	Auto fahren	رانندگی کردن	fahren
in Urlaub fahren	به مسافرت رفتن	mit dem Bus fahren	با اتوبوس رفتن	
ein Taxi nehmen	تاکسی گرفتن	den Bus nehmen	اتوبوس سوار شدن	nehmen
eine Tablette nehmen	قرص خوردن	Platz nehmen	نشستن (بفرمایید بنشینید)	
		eine Dusche nehmen	دوش گرفتن	

Zähne putzen	مسواک زدن	Musik hören	موسیقی گوش دادن
eine E-Mail schreiben	ایمیل نوشتن	Kaffee / Tee trinken	قهوه / چای خوردن
das Licht anmachen	چراغ را روشن کردن	ein Formular ausfüllen	فرم پر کردن
Deutsch sprechen	آلمانی صحبت کردن	eine Frage stellen	سؤال پرسیدن

تله‌های ترجمه فعل فارسی

فارسی	آلمانی درست	ترجمه غلط رایج
عکس گرفتن	ein Foto machen	ein Foto nehmen
گیتار زدن	Gitarre spielen	Gitarre schlagen
مسواک زدن	Zähne putzen	Zähne schlagen
زنگ زدن (تلفن)	anrufen	klingeln*
قرص خوردن	eine Tablette nehmen	eine Tablette essen
چای خوردن	Tee trinken	Tee essen
سیگار کشیدن	rauchen	Zigarette ziehen
چراغ را روشن کردن	das Licht anmachen	das Licht hell machen
وقت گرفتن	einen Termin machen	eine Zeit nehmen
ورزش کردن	Sport machen	Sport tun
سوار اتوبوس شدن	in den Bus einsteigen / den Bus nehmen	auf den Bus gehen
سؤال پرسیدن	eine Frage stellen	eine Frage fragen

* klingeln یعنی «زنگ خوردن» یا «زنگ در را زدن» (Es klingelt. زنگ می‌زنند). برای «به کسی زنگ زدن» فقط anrufen درست است.



بخش ۷

متن‌های خواندنی با تمرین

Lesetexte mit Übungen

شش متن در قالب‌هایی که در آزمون و زندگی روزمره می‌بینید: ایمیل، متن کوتاه، پیام دعوت، تابلو و اطلاعاتی، گفت‌وگو و روایت گذشته. هر متن را اول بدون ترجمه بخوانید، تمرین را حل کنید و فقط بعد ترجمه را ببینید.

ایمیل یک هم‌کلاسی تازه

Eine E-Mail an den Kurs · E-Mail

۱

Liebe Kursteilnehmer,

ich heiße Neda Moradi und ich bin neu im Deutschkurs. Ich komme aus dem Iran, aus Isfahan. Ich bin 28 Jahre alt und von Beruf bin ich Architektin. Seit einem Monat wohne ich in Leipzig. Mein Mann arbeitet hier als Ingenieur.

Ich lerne Deutsch, denn ich möchte hier arbeiten. Deutsch ist nicht leicht, aber es macht Spaß! In meiner Freizeit male ich gern und ich gehe gern spazieren. Wer möchte am Wochenende zusammen Kaffee trinken?

Viele Grüße

Neda

واژه‌های کلیدی

- **neu** = تازه‌وارد، نو
- **die Architektin** = معمار (زن)
- **seit einem Monat** = از یک ماه پیش
- **leicht** = آسان
- **Spaß machen** = لذت‌بخش بودن
- **malen** = نقاشی کردن

ترجمه

هم‌کلاسی‌های عزیز، اسم من ندا مرادی است و در کلاس آلمانی تازه‌واردم. اهل ایرانم، از اصفهان. ۲۸ سال دارم و شغلم معماری است. یک ماه است که در لایپزیگ زندگی می‌کنم. شوهرم اینجا مهندس است. آلمانی یاد می‌گیرم، چون می‌خواهم اینجا کار کنم. آلمانی آسان نیست، اما لذت‌بخش است! در وقت آزادم نقاشی و قدم زدن را دوست دارم. چه کسی دوست دارد آخر هفته با هم قهوه بخوریم؟ با سلام، ندا

تمرین متن ۱

درست (richtig) یا نادرست (falsch)? ترجمه را پیش از حل تمرین نخوانید.

1. **Neda kommt aus Leipzig.**

2. **Nedas Mann ist Ingenieur.**

3. **Neda lernt Deutsch für die Arbeit.**

4. **Neda findet Deutsch sehr leicht.**

یک روز معمولی

Mein Tag · Text

۲

Ich heiße Paul und ich bin Busfahrer in Hamburg. Mein Tag beginnt sehr früh: Ich stehe um halb fünf auf. Ich trinke einen Kaffee und esse ein Brötchen. Um Viertel nach fünf fahre ich mit dem Fahrrad zur Arbeit.

Von sechs bis vierzehn Uhr fahre ich Bus. Um zehn Uhr mache ich eine Pause. Am Nachmittag kaufe ich ein und hole meine Tochter von der Schule ab. Am Abend kochen wir zusammen. Um neun Uhr gehe ich schlafen – ich bin dann immer sehr müde!

واژه‌های کلیدی

- **abholen** = دنبال کسی رفتن
- **müde** = خسته

- **der Busfahrer** = راننده اتوبوس
- **früh** = زود
- **halb fünf** = ۴:۳۰

ترجمه

اسم من پاول است و راننده اتوبوس در هامبورگ هستم. روزم خیلی زود شروع می‌شود: ساعت چهار و نیم بیدار می‌شوم. یک قهوه می‌خورم و یک نان کوچک. ساعت پنج و ربع با دوچرخه سر کار می‌روم. از ساعت شش تا چهارده اتوبوس می‌رانم. ساعت ده استراحت می‌کنم. بعدازظهر خرید می‌کنم و دخترم را از مدرسه می‌آورم. شب با هم آشپزی می‌کنیم. ساعت نه به رختخواب می‌روم؛ آن موقع همیشه خیلی خسته‌ام!

تمرین متن ۲

درست (richtig) یا نادرست (falsch)? ترجمه را پیش از حل تمرین نخوانید.

1. **Paul steht um 5:30 Uhr auf.**

2. **Er fährt mit dem Fahrrad zur Arbeit.**

3. **Er arbeitet bis 14 Uhr.**

4. **Am Abend kocht Paul allein.**

Hallo Mehdi,

am Samstag habe ich Geburtstag und ich mache eine kleine Party. Kommst du auch? Die Party beginnt um 19 Uhr bei mir zu Hause, Gartenstraße 8. Bring bitte etwas zu trinken mit!

Liebe Grüße, Lisa

—

Liebe Lisa,

vielen Dank für die Einladung! Ich komme sehr gern, aber ich kann erst um 20 Uhr kommen, denn ich muss bis 19 Uhr arbeiten. Ich bringe Saft mit.

Bis Samstag! Mehdi

واژه‌های کلیدی

- die Einladung = دعوت
- bei mir zu Hause = در خانه من
- mitbringen = با خود آوردن
- erst um 20 Uhr = تازه ساعت ۲۰، نه زودتر

ترجمه

سلام مهدی، شنبه تولدم است و یک مهمانی کوچک می‌گیرم. تو هم می‌آیی؟ مهمانی ساعت ۱۹ در خانه من شروع می‌شود، خیابان گارتن، پلاک ۸. لطفاً یک نوشیدنی با خودت بیاور! با مهر، لیزا. — لیزای عزیز، خیلی ممنون از دعوت! با کمال میل می‌آیم، اما تازه ساعت ۲۰ می‌توانم بیایم، چون باید تا ساعت ۱۹ کار کنم. آب‌میوه می‌آورم. تا شنبه! مهدی

تمرین متن ۳

درست (richtig) یا نادرست (falsch)? ترجمه را پیش از حل تمرین نخوانید.

1. Die Party ist am Sonntag.

2. Die Party beginnt um 19 Uhr.

3. Mehdi kommt pünktlich um 19 Uhr.

4. Mehdi bringt Saft mit.

- A) Praxis Dr. Klein – Sprechzeiten: Mo–Fr 8–12 Uhr, Di und Do auch 15–18 Uhr
- B) Bäckerei Sonne: Heute wegen Krankheit geschlossen!
- C) Supermarkt-Angebot: Äpfel, 1 kg nur 1,99 €
- D) Bitte nicht rauchen!
- E) Stadtbibliothek – Neue Öffnungszeiten ab 1. Juni: Mo–Sa 10–19 Uhr

واژه‌های کلیدی

- **die Sprechzeiten** = ساعت پذیرش (مطب)
- **wegen Krankheit** = به دلیل بیماری
- **geschlossen** = بسته، تعطیل
- **das Angebot** = پیشنهاد ویژه، حراج
- **die Öffnungszeiten** = ساعت کاری

ترجمه

الف) مطب دکتر کلاین – ساعت پذیرش: دوشنبه تا جمعه ۸ تا ۱۲، سه‌شنبه و پنجشنبه همچنین ۱۵ تا ۱۸. ب) نانوايي زونه: امروز به دليل بيماري تعطيل است! ج) پيشنهاده ویژه سوپرمارکت: سیب، هر کیلو فقط ۱/۹۹ یورو. د) لطفاً سیگار نکشید! ه) کتابخانه شهر – ساعت کاری جدید از اول ژوئن: دوشنبه تا شنبه ۱۰ تا ۱۹.

تمرین متن ۴

درست (richtig) یا نادرست (falsch)? ترجمه را پیش از حل تمرین نخوانید.

1. Sie können am Dienstag um 16 Uhr zum Arzt gehen.

2. Sie können heute Brot in der Bäckerei Sonne kaufen.

3. Zwei Kilo Äpfel kosten 1,99 €.

4. Die Bibliothek ist ab Juni am Samstag offen.



Verkäufer: Guten Tag! Kann ich Ihnen helfen?

Kundin: Ja, ich suche eine Jacke für den Winter.

Verkäufer: Welche Größe haben Sie?

Kundin: Größe 38.

Verkäufer: Hier, diese Jacke ist warm und nicht teuer.

Kundin: Die Farbe gefällt mir nicht. Haben Sie die Jacke auch in Blau?

Verkäufer: Ja, hier bitte. Die Kabinen sind dort links.

Kundin: Sie passt gut! Was kostet sie?

Verkäufer: 79 Euro.

Kundin: Gut, ich nehme sie.

واژه‌های کلیدی

- **das Kaufhaus** = فروشگاه بزرگ
- **die Größe** = سایز
- **gefallen** = خوش آمدن
- **die Kabine** = اتاق پرو
- **passen** = اندازه بودن

ترجمه

فروشنده: روز به خیر! می‌توانم کمکتان کنم؟ مشتری: بله، دنبال یک کاپشن برای زمستان هستم. فروشنده: سایزتان چند است؟ مشتری: سایز ۳۸. فروشنده: بفرمایید، این کاپشن گرم است و گران هم نیست. مشتری: رنگش را دوست ندارم. این کاپشن را آبی هم دارید؟ فروشنده: بله، بفرمایید. اتاق پرو آنجا سمت چپ است. مشتری: اندازه است! قیمتش چند است؟ فروشنده: ۷۹ یورو. مشتری: خوب است، برش می‌دارم.

تمرین متن ۵

درست (richtig) یا نادرست (falsch)? ترجمه را پیش از حل تمرین نخوانید.

1. Die Kundin sucht eine Hose.

2. Sie hat Größe 38.

3. Die erste Farbe gefällt ihr gut.

4. Die Jacke kostet 79 Euro.

Letztes Wochenende war ich mit meiner Freundin Sanaz in Köln. Wir sind am Samstag um acht Uhr mit dem Zug gefahren. Das Wetter war schön und es war warm.

Zuerst haben wir den Dom besichtigt. Dann haben wir am Rhein Kaffee getrunken und Kuchen gegessen. Am Abend sind wir ins Theater gegangen. Am Sonntag hat es geregnet, deshalb waren wir im Museum. Das Wochenende war super!

واژه‌های کلیدی

- **letztes Wochenende** = آخر هفته گذشته
- **der Dom** = کلیسای جامع
- **besichtigen** = بازدید کردن
- **zuerst / dann** = اول / بعد
- **deshalb** = برای همین

ترجمه

آخر هفته گذشته با دوستم ساناز در کلن بودم. شنبه ساعت هشت با قطار رفتیم. هوا خوب و گرم بود. اول از کلیسای جامع بازدید کردیم. بعد کنار رود راین قهوه خوردیم و کیک. شب به تئاتر رفتیم. یکشنبه باران آمد، برای همین در موزه بودیم. آخر هفته عالی‌ای بود!

تمرین متن ۶

درست (richtig) یا نادرست (falsch)? ترجمه را پیش از حل تمرین نخوانید.

1. Sie sind mit dem Auto nach Köln gefahren.

2. Am Samstag war das Wetter schön.

3. Am Samstagabend waren sie im Kino.

4. Am Sonntag hat es geregnet.



بخش ۸

آزمون A1: ساختار، نوشتن و مکالمه

Die Prüfung A1: Schreiben und Sprechen

سه مدرک A1 رایج‌تر از بقیه است: **Start Deutsch 1** گوته، **Start Deutsch 1** تلک و **ÖSD Zertifikat A1**. محتوا و قالب دو آزمون اول یکی است، چون گوته و تلک آن را با هم طراحی کرده‌اند.

ساختار آزمون Start Deutsch 1

بخش	زمان	چه چیزی می‌آید
شنیدن (Hören)	حدود ۲۰ دقیقه	سه قسمت: گفت‌وگوی کوتاه، پیام تلفنی، اعلان بلندگو؛ هر متن معمولاً دو بار پخش می‌شود
خواندن (Lesen)	۲۵ دقیقه	سه قسمت: نامه و یادداشت کوتاه، آگهی، تابلو و اطلاعیه
نوشتن (Schreiben)	۲۰ دقیقه	پر کردن فرم + نوشتن پیام کوتاه حدود ۳۰ کلمه
مکالمه (Sprechen)	حدود ۱۵ دقیقه، گروهی تا ۴ نفر	معرفی خود، پرسش و پاسخ با کارت واژه، درخواست با کارت تصویر

سه بخش کتبی پشت سر هم و بدون استراحت برگزار می‌شوند (در مجموع ۶۵ دقیقه). حد قبولی آزمون گوته ۶۰ امتیاز از ۱۰۰ است. ساختار **ÖSD** کمی فرق دارد؛ اگر آن را انتخاب کرده‌اید، با نمونه‌آزمون‌های سایت خود **ÖSD** تمرین کنید.

ویژه فارسی‌زبان‌ها

وضعیت آزمون‌ها برای داوطلب ایرانی

مؤسسه آموزش زبان آلمانی تهران (**DSIT**) که آزمون‌های گوته را در ایران برگزار می‌کرد، از ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ تعطیل شده و داوطلبان برای آزمون گوته به مراکز کشورهای همسایه مثل ترکیه، ارمنستان، گرجستان یا امارات می‌روند. آزمون **ÖSD** در مراکز دارای مجوز در تهران و چند شهر دیگر برگزار می‌شود؛ پیش از ثبت‌نام نام مرکز را در فهرست مراکز رسمی سایت **ÖSD** بررسی کنید. برای ویزای پیوست به همسر، نمایندگی‌های آلمان مدرک‌های **Start Deutsch 1** گوته و تلک و **ÖSD Zertifikat A1** را می‌پذیرند و معمولاً مدرکی را قبول می‌کنند که بیش از یک سال از تاریخ آزمونش نگذشته باشد. این اطلاعات ممکن است تغییر کند؛ پیش از ثبت‌نام سایت سفارت آلمان در تهران را ببینید.

نوشتن: فرم و پیام کوتاه

در قسمت اول، اطلاعات یک نفر را از یک متن کوتاه پیدا می‌کنید و در فرم می‌نویسید. فیلدهای رایج فرم:

فیلد	معنی	نمونه
Vorname / Nachname	نام / نام خانوادگی	Neda / Rahimi

فیلد	معنی	نمونه
Geburtsdatum	تاریخ تولد	21.03.1995
Geburtsort	محل تولد	Täbris
Staatsangehörigkeit	ملیت	iranisch
Familienstand	وضعیت تأهل	ledig / verheiratet / geschieden
Straße, Hausnummer	خیابان، پلاک	Bahnhofstraße 12
PLZ, Wohnort	کد پستی، شهر	04109 Leipzig
Unterschrift	امضا	—

در قسمت دوم یک پیام حدود سی کلمه‌ای می‌نویسید که باید به هر سه نکته خواسته شده جواب دهد و خطاب و جمله پایانی داشته باشد. جا انداختن یکی از سه نکته نمره را کم می‌کند، حتی اگر جمله‌ها بی‌غلط باشند.

پیام دوستانه – لغو یک قرار

Liebe Anna,
 leider kann ich am Samstag nicht zu deiner Party kommen. Meine Mutter ist krank und ich besuche sie.
 Hast du am Sonntag Zeit? Wir können zusammen Kaffee trinken.
 Viele Grüße
 Neda

پیام رسمی – درخواست اطلاعات

Sehr geehrte Damen und Herren,
 ich möchte einen Deutschkurs machen. Wann beginnt der nächste Kurs und was kostet er? Bitte
 schicken Sie mir Informationen.
 Mit freundlichen Grüßen
 Ali Karimi

پیام به همکار – دیر رسیدن

Hallo Herr Braun,
 mein Bus hat Verspätung. Ich komme heute erst um zehn Uhr ins Büro. Können Sie bitte Frau Schmidt
 informieren? Vielen Dank!
 Viele Grüße
 Sara Ahmadi

خطاب‌ها: دوستانه Liebe Anna (زن) / Lieber Tom (مرد)؛ رسمی Sehr geehrter Herr Weber / Sehr geehrte Frau Weber
 پایان: دوستانه Viele Grüße، رسمی Mit freundlichen Grüßen

مکالمه: سه قسمت

قسمت ۱: معرفی خود

روی کارت هفت کلیدواژه هست. درباره هر کدام یک جمله بگویید:

Name?

Alter?

Land?

Wohnort?

Sprachen?

Beruf?

Hobby?

Ich heiße Maryam Ahmadi. Ich bin 31 Jahre alt. Ich komme aus dem Iran. Ich wohne in Teheran. Ich spreche Persisch, Englisch und ein bisschen Deutsch. Ich bin Lehrerin von Beruf. Mein Hobby ist Kochen.

بعد ممتحن معمولاً می‌خواهد اسمتان را هجی کنید (Buchstabieren Sie bitte Ihren Namen.) و یک عدد مثل شماره تلفن بگوید.

قسمت ۲: پرسیدن و جواب دادن

یک موضوع (مثلاً Essen und Trinken) و چند کارت واژه دارید. با واژه کارت از نفر بعدی سؤال می‌پرسید و او جواب می‌دهد:

Frühstück → Was isst du zum Frühstück? – Ich esse
Brot mit Käse. صبحانه ← صبحانه چه می‌خوری؟ نان و پنیر می‌خورم.

Getränk → Was ist dein Lieblingsgetränk? – Tee. نوشیدنی ← نوشیدنی محبوبت چیست؟ چای.

Wochenende → Was machst du am Wochenende? –
Ich treffe Freunde. آخر هفته ← آخر هفته چه کار می‌کنی؟ دوستانم را می‌بینم.

قسمت ۳: درخواست کردن

روی کارت یک تصویر هست (مثلاً یک پنجره یا یک لیوان آب). از نفر بعدی چیزی درخواست می‌کنید و او جواب می‌دهد:

Können Sie bitte das Fenster öffnen? – Ja, gern. لطفاً پنجره را باز می‌کنید؟ بله، با کمال میل.

Gib mir bitte ein Glas Wasser! – Hier, bitte. لطفاً یک لیوان آب به من بده! بفرما.

Darf ich dein Handy benutzen? – Tut mir leid, das geht
nicht. اجازه هست از گوشی‌ات استفاده کنم؟ متأسفم، نمی‌شود.



۱۶ اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها

Typische Fehler

بیشتر این خطاها از ترجمه ذهنی جمله‌های فارسی می‌آیند. اگر یکی از آن‌ها را در نوشته‌تان دیدید، جمله درست را پنج بار بنویسید و بلند بخوانید.

اشتباه	درست	چرا
Ich habe 30 Jahre.	Ich bin 30 Jahre alt.	سن را با sein می‌گویند.
Ich heute ins Kino gehe.	Heute gehe ich ins Kino.	فعل در جایگاه دوم است.
Ich habe nicht Auto.	Ich habe kein Auto.	اسم بدون آرتیکل با kein منفی می‌شود.
Ich verstehe nicht nichts.	Ich verstehe nichts.	منفی دوگانه ممنوع است.
Ich möchte ein Kaffee.	Ich möchte einen Kaffee.	مفعول مذکر: einen.
Ich fahre mit Bus.	Ich fahre mit dem Bus.	این ترکیب حرف تعریف می‌خواهد.
Ich bin kalt.	Mir ist kalt.	«سردم است» = به من سرد است.
Reza und ihre Frau	Reza und seine Frau	صاحب مرد است: sein.
Ich mag schwimmen.	Ich schwimme gern.	برای فعالیت از gern استفاده کنید.
Du musst nicht rauchen.	Du darfst nicht rauchen.	«نباید» = nicht dürfen.
Ich esse Tee.	Ich trinke Tee.	نوشیدنی را trinken می‌کنند، نه essen.
Ich bin nach Hause (در خانه‌ام).	Ich bin zu Hause.	zu Hause = در خانه، nach Hause = به خانه.
Ich habe gestern gegangen.	Ich bin gestern gegangen.	gehen در Perfekt با sein می‌آید.
ich wohne in einer wohnung.	Ich wohne in einer Wohnung.	اول جمله و اسم‌ها با حرف بزرگ.
Kommst du nicht? – Ja!	Kommst du nicht? – Doch!	جواب مثبت به سؤال منفی: doch.
Gute Nacht (برای سلام عصر)	Guten Abend!	Gute Nacht فقط موقع خواب.



بخش ۱۰

برنامه ۳۰ روزه و منابع رایگان

30-Tage-Plan und kostenlose Materialien

این برنامه برای روزی حدود یک ساعت طراحی شده است. روز اول و روز آخر نمونه‌آزمون رسمی حل می‌کنید تا پیشرفتتان را با عدد ببینید.

روزها	چه بخوانید	خروجی پایان این روزها
۱	خواندن بخش «شروع» + حل نمونه‌آزمون رسمی گوته فقط برای سنجش	نمره روز اول
۲ تا ۴	درس‌های ۱ و ۲ گرامر + واژگان «اطلاعات شخصی»	معرفی هفت‌جمله‌ای بدون نگاه کردن
۵ تا ۷	درس‌های ۳ و ۴ + واژگان «خانواده»	توصیف خانواده در شش جمله
۸ تا ۱۰	درس‌های ۵ و ۶ + اعداد و ساعت	گفتن شماره تلفن و ساعت روز
۱۱ تا ۱۳	درس ۷ + واژگان «غذا» و «خرید» + متن ۵	اجرای گفت‌وگوی خرید با صدای بلند
۱۴ تا ۱۶	درس‌های ۸ و ۹ + واژگان «شهر» و «حمل‌ونقل»	توضیح مسیر مسیر خانه تا ایستگاه
۱۷ تا ۱۹	درس‌های ۱۰ و ۱۱ + متن ۲	توصیف یک روز معمولی
۲۰ تا ۲۲	درس‌های ۱۲ تا ۱۴ + واژگان «خانه» و «بدن»	گرفتن وقت دکتر در نقش آفرینی
۲۳ تا ۲۵	درس‌های ۱۵ و ۱۶ + متن ۶ + بخش نوشتن	سه پیام سی‌کلمه‌ای، یکی رسمی
۲۶ تا ۲۸	مرور همه فلش‌کارت‌ها + اصطلاحات و کالوکیشن‌ها	کارت‌های باقی‌مانده در خانه اول جعبه
۲۹ و ۳۰	نمونه‌آزمون دوم گوته در زمان واقعی	مقایسه با نمره روز اول

یک ساعت مطالعه روزانه

- ۵ دقیقه: مرور فلش‌کارت‌های دیروز بدون نگاه به پشت کارت.
- ۱۰ دقیقه: ده واژه تازه با آرتیکل و جمع، با صدای بلند.
- ۱۰ دقیقه: یک درس گرامر یا یک متن.
- ۱۵ دقیقه: گوش دادن به فایل صوتی کتاب درسی یا بخش شنیداری نمونه‌آزمون آنلاین گوته.
- ۱۰ دقیقه: نوشتن پنج جمله درباره زندگی خودتان.
- ۱۰ دقیقه: بلند خواندن همان جمله‌ها و ضبط صدای خودتان.

از کجا بفهمم آماده‌ام؟

آمادگی را با تقویم نسنجید، با نمونه‌آزمون بسنجید. اگر در نمونه‌آزمون دوم در هر بخش حدود ۷۰ درصد پاسخ‌ها را درست زدید، با فاصله اطمینان کافی برای ثبت‌نام آماده‌اید. برای بیشتر کسانی که از صفر شروع می‌کنند، آمادگی آزمون بیش از سی روز طول می‌کشد؛ اگر لازم بود، برنامه را دوباره از اول بروید.

منابع رایگان رسمی

- **فهرست رسمی واژگان گوته A1** – حدود ۶۵۰ واژه با جمله نمونه، بدون ترجمه
- **نمونه‌آزمون رسمی Start Deutsch 1** – یک آزمون کامل با هر چهار بخش
- **نمونه‌آزمون دوم (Übungssatz 02)** – آزمون کامل دیگر برای هفته آخر
- **نسخه آنلاین نمونه‌آزمون گوته** – تمرین شنیداری با پخش صدا
- **فهرست واژگان فارسی Auf jeden Fall A1.1 (تک)** – واژه با آرتیکل، جمع و معنی فارسی

کتاب‌های رایج A1 یعنی منشن (Menschen) و شتارتن ویا (Starten wir) رایگان نیستند و بیشتر PDFهای «رایگان» آن‌ها نسخه بدون مجوز و گاهی ناقص‌اند. نسخه چاپی هر دو در کتاب‌فروشی‌های زبان ایران پیدا می‌شود.

پاسخ تمرین‌ها

گرامر ۱	bin .1 Bist .2 ist .3	sind .4 seid .5
گرامر ۲	lernst .1 arbeitet .2 haben .3	wohnt .4 heißt .5
گرامر ۳	spricht .1 Isst .2 fährt .3	liest .4 nimmt .5
گرامر ۴	die .1 das .2 der .3 die .4	die .5 Kinder .6 Autos .7 Frauen .8
گرامر ۵	Ich arbeite heute nicht. / Heute arbeite ich nicht. Am Wochenende spielen wir Fußball. .2	Sprechen Sie Deutsch? .3 Wo wohnst du? .4
گرامر ۶	keine .1 nicht .2 keine .3	nicht .4 keine .5
گرامر ۷	einen .1 unseren .2 ein .3	keinen .4 ihn .5
گرامر ۸	der .1 zum .2 dir .3	mir .4 nach .5
گرامر ۹	meine .1 Ihr .2 seine .3	ihren .4 meinen .5
گرامر ۱۰	kann .1 Kannst .2 müssen .3	darf .4 möchten .5

Ich rufe dich heute Abend an. .4 Ich muss morgen früh aufstehen. .5	Ich stehe um 7 Uhr auf. .1 Wir kaufen heute ein. .2 Der Film fängt um 20 Uhr an. .3	گرامر ۱۱
Steh auf .4 Seid .5	Warten Sie .1 Komm .2 Nimm .3	گرامر ۱۲
nach .4 ins .5	um .1 Am .2 Im .3	گرامر ۱۳
Ich komme heute nicht, denn ich bin krank. .3 Er ist nicht Lehrer, sondern Arzt. .4	Ich bin müde und ich gehe schlafen. .1 Das Hemd ist schön, aber es ist zu teuer. .2	گرامر ۱۴
Sie ist um 7 Uhr aufgestanden. .4 Ich war müde. .5	Ich habe Brot gekauft. .1 Er hat Kaffee getrunken. .2 Wir sind nach Hamburg gefahren. .3	گرامر ۱۵
Wir mögen Kaffee. .3 Liest du gern? .4	Ich tanze gern. .1 Er spielt nicht gern Fußball. .2	گرامر ۱۶
richtig .3 falsch .4	falsch .1 richtig .2	متن ۱
richtig .3 falsch .4	falsch .1 richtig .2	متن ۲
falsch .3 richtig .4	falsch .1 richtig .2	متن ۳
falsch .3 richtig .4	richtig .1 falsch .2	متن ۴
falsch .3 richtig .4	falsch .1 richtig .2	متن ۵
falsch .3 richtig .4	falsch .1 richtig .2	متن ۶



پیوست

۷۲ فلش کارت برای چاپ

Lernkarten zum Ausdrucken

هر مجموعه دو صفحه دارد: روی کارت‌ها (واژه آلمانی) و پشت کارت‌ها (معنی و جمله نمونه). صفحه‌ها را دورو و با برگشت از لبه بلند چاپ کنید تا پشت و روی هر کارت با هم جفت شوند، بعد کارت‌ها را از روی خط چین ببرید. رنگ نوار بالای هر کارت جنس اسم را نشان می‌دهد.

عبارت

فعل

das · خنثی

die · مؤنث

der · مذکر

نکته

روش جعبه لایتنر

کارت‌ها را در یک جعبه پنج‌خانه بگذارید. هر کارتی که درست جواب دادید یک خانه جلو می‌رود و هر کارتی که غلط جواب دادید به خانه اول برمی‌گردد. خانه اول را هر روز، خانه دوم را یک روز در میان و بقیه را با فاصله بیشتر مرور کنید.

مذکر · der der Name die Namen	مذکر · der der Kopf die Köpfe	مذکر · der der Bahnhof die Bahnhöfe
مذکر · der der Vorname die Vornamen	مذکر · der der Kurs die Kurse	مذکر · der der Supermarkt die Supermärkte
مذکر · der der Platz die Plätze	مذکر · der der Zug die Züge	مذکر · der der Ausweis die Ausweise
مذکر · der der Familienname die Familiennamen	مذکر · der der Vater die Väter	مذکر · der der Markt die Märkte

ایستگاه قطار Wie komme ich zum Bahnhof?	سر Mein Kopf tut weh.	نام Wie ist Ihr Name?
سوپرمارکت Der Supermarkt ist am Sonntag geschlossen.	دوره، کلاس Der Kurs beginnt um neun Uhr.	نام کوچک Mein Vorname ist Sara.
کارت شناسایی Haben Sie Ihren Ausweis dabei?	قطار Der Zug hat Verspätung.	میدان؛ جا Wir treffen uns am Marktplatz.
بازار Am Samstag gehen wir auf den Markt.	پدر Mein Vater arbeitet viel.	نام خانوادگی Wie ist Ihr Familienname?

مذکر · der der Bus die Busse	مذکر · der der Sport	مذکر · der der Regen
مذکر · der der Pass die Pässe	مؤنث · die die Familie die Familien	مؤنث · die die Arbeit die Arbeiten
مؤنث · die die Wohnung die Wohnungen	مؤنث · die die Straße die Straßen	مؤنث · die die Freizeit
مؤنث · die die Mutter die Mütter	مؤنث · die die Sonne	مؤنث · die die Schule die Schulen

باران Es regnet.	ورزش Ich mache gern Sport.	اتوبوس Wann kommt der nächste Bus?
کار Ich gehe zur Arbeit.	خانواده Meine Familie ist groß.	گذرنامه Mein Pass ist nicht mehr gültig.
وقت آزاد Was machst du in deiner Freizeit?	خیابان In welcher Straße wohnen Sie?	آپارتمان Die Wohnung hat drei Zimmer.
مدرسه Meine Tochter geht in die Schule.	خورشید Die Sonne scheint.	مادر Meine Mutter ist Lehrerin.

die · مؤنث die Post	die · مؤنث die Adresse die Adressen	die · مؤنث die Schwester die Schwestern
die · مؤنث die Hand die Hände	die · مؤنث die Küche die Küchen	die · مؤنث die Bank die Banken
die · مؤنث die U-Bahn die U-Bahnen	die · مؤنث die Musik	das · خنثی das Frühstück
das · خنثی das Geschäft die Geschäfte	das · خنثی das Wetter	das · خنثی das Formular die Formulare

خواهر Meine Schwester studiert.	نشانی Wie ist Ihre Adresse?	اداره پست Wo ist die Post, bitte?
بانک Die Bank schließt um 16 Uhr.	آشپزخانه Die Küche ist klein.	دست (کف و انگشتان) Er gibt mir die Hand.
صبحانه Was isst du zum Frühstück?	موسیقی Ich höre gern Musik.	مترو Ich nehme die U-Bahn.
فرم Bitte füllen Sie das Formular aus.	آب و هوا Wie ist das Wetter heute?	مغازه Die Geschäfte schließen um 20 Uhr.

das خنتی · das Auge die Augen	das خنتی · das Mittagessen	das خنتی · das Haus die Häuser
das خنتی · das Hobby die Hobbys	das خنتی · das Ohr die Ohren	das خنتی · das Abendessen
das خنتی · das Zimmer die Zimmer	das خنتی · das Büro die Büros	das خنتی · das Brot die Brote
das خنتی · das Geld	das خنتی · das Paket die Pakete	das خنتی · das Alter

خانه، ساختمان

In welchem Haus wohnst du?

ناهار

Das Mittagessen ist um eins.

چشم

Sie hat blaue Augen.

شام

Wir kochen das Abendessen
zusammen.

گوش

Mein Ohr tut weh.

سرگرمی

Meine Hobbys sind Lesen und
Kochen.

نان

Ich kaufe ein Brot.

دفتر کار

Ich arbeite im Büro.

اتاق

Das Zimmer ist hell.

سن

Alter: 26 Jahre

بسته پستی

Ich schicke ein Paket in den Iran.

پول

Hast du Geld dabei?

فعل sprechen er spricht	فعل fahren er fährt	فعل essen er isst
فعل nehmen er nimmt	فعل lesen er liest	فعل sehen er sieht
فعل anrufen er ruft ... an	فعل aufstehen er steht ... auf	فعل einkaufen er kauft ... ein
فعل können er kann	فعل müssen er muss	فعل dürfen er darf

خوردن

Was isst du gern?

(با وسیله) رفتن

Ich fahre mit dem Bus.

صحبت کردن

Ich spreche Persisch.

دیدن

Siehst du den Bus?

خواندن

Er liest ein Buch.

برداشتن، گرفتن

Ich nehme den Bus.

خرید کردن

Wir kaufen heute ein.

بیدار شدن

Ich stehe um 7 auf.

تلفن زدن

Ich rufe dich an.

اجازه داشتن

Darf ich?

مجبور بودن

Ich muss arbeiten.

توانستن

Ich kann kochen.

عبارت	عبارت	عبارت
Alles klar!	Kein Problem!	Keine Ahnung.
عبارت	عبارت	عبارت
Das ist mir egal.	Na klar!	Mach's gut!
عبارت	عبارت	عبارت
Gute Besserung!	Guten Appetit!	Viel Glück!
عبارت	عبارت	عبارت
Viel Spaß!	Herzlichen Glückwunsch!	Alles Gute zum Geburtstag!

باشه، فهمیدم.	اشکالی ندارد، حتماً.	نمی‌دانم، اصلاً خبر ندارم.
برایم فرقی نمی‌کند.	معلومه! البته!	خدا حافظ، مواظب خودت باش.
بلا دور باشد، زود خوب شوی.	نوش جان! (پیش از غذا)	موفق باشی!
خوش بگذره!	تبریک می‌گوییم!	تولدت مبارک!

چرب زبان

این کتابچه را چرب زبان به صورت رایگان منتشر کرده است. برای مسیر بعدی، یعنی سطح‌های بالاتر آلمانی، کتابچه‌ها و آموزش‌های رایگان دیگر را در سایت چرب زبان ببینید.

چرب زبان · charbzaban.com

Viel Erfolg beim Deutschlernen! — در یادگیری آلمانی موفق باشید!